

مارسل بازن دانشگاه رنس  
ترجمه: دکتر اسدالله علوی  
بنیاد پژوهشهای اسلامی

## شبکه شهری در ترکیه

### THE URBAN NETWORK OF TURKEY

By: Marcel Bazin  
Université de Reims  
Tr: Dr. A. ALAVI

The urban population of Turkey exceeds now 50% of the total population, and is more equally distributed than in most neighbouring countries, with about one third of it in the three biggest cities, one third in other province centres and one third in smaller towns.

The various urban functions have played a different role in hierarchizing the Turkish towns. The distribution of administration and public services is the most important feature, though there is no territorial unit of regional rank. Trading centres include the «gates of Turkey», urban bazaars and weekly markets. Industrial activity too focuses in the largest cities, besides a few specialized towns without regional influence.

Turkey has thus well developed its urban network, with the five following hierarchical levels: two giant cities partaking the functions of national capital; Istanbul and Ankara; three regional metropolis, Izmir, Adana and Bursa; some twenty regional centres; 42 other province centres; and about 560 mean and small towns.

واژه‌های کلیدی: شهرنشینی - مشاغل شهری - شبکه شهری.  
خلاصه - توزیع جمعیت شهری در ترکیه، که از این پس بیش از نیمی از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد، هماهنگتر از خیلی کشورهای خاور نزدیک بوده است.  
حرفه‌های مختلف شهری، به گونه‌ای نامتساوی در طبقه‌بندی شهرهای ترکیه سهم داشته‌اند. تقسیمات اداری و توزیع خدمات عمومی، علی‌رغم عدم وحدت سرزمینی در

سطح ناحیه، نقشی عمده ایفا کرده‌اند. شبکه مواصلا تی تجاری، بنادر بزرگ، یعنی «دروازه‌های» کشور به جانب خارج را و بازارهای شهری و هفتگی را به یکدیگر ارتباط داده است. بزرگترین مجتمعات صنعتی، به استثنای چند مرکز تخصصی، با سطوح بالای طبقه بندی شهری، منطبق شده‌اند.

بنابراین، ترکیه دارای یک شبکه بسیار پیشرفته متکی بر پنج طبقه است: دو شهر استانبول و آنکارا که وظایف پایتخت را مشترکاً بر عهده دارند؛ سه مرکز بزرگ ناحیه‌ای از میرا، آدانا<sup>۲</sup> و بورسا<sup>۳</sup>؛ حدود بیست مرکز ناحیه‌ای؛ چهل استانداری؛ و حدود ۵۶۰ شهر متوسط و کوچک.

ترکیه، نیز به گونه کشورهای همجوار خود در خاور نزدیک و میانه و نیز مانند بیشتر کشورهای در حال توسعه، شتابی تازه در رشد شهری خود داشته است. ترکیه که تا پیش از این کشوری با جمعیت روستایی به حساب می‌آمد (با داشتن ۶۰٪ از جمعیت فعال در بخش کشاورزی در سال ۱۹۸۰) (رک مقاله تنمرتکین<sup>۴</sup> در آخرین تحقیق)، اکنون با ۵۳/۷٪ نفر شهرنشین از کل ۵۱/۴۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت خود- براساس آمارهای موقتی سرشماری بیستم اکتبر ۱۹۸۵- دارای اکثریتی شهرنشین است. حال اگر ترکیه را با دو کشوری که از لحاظ بار جمعیت شناسی در یک محدوده ژئوپلیتیکی مشابه قرار دارند، مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که نرخ رشد جمعیت شهری این کشور بین دو نرخ رشد جمعیت شهری مصر- که در سال ۱۹۸۲، ۴۵٪ برآورد شده- و ایران که از سال ۱۹۸۲ به ۵۲٪ رسیده قرار دارد؛ کشوری که جنگ در آن موجب سرعت بخشیدن حرکت به سوی شهرها و بخصوص تهران شده است.

با این همه، ترکیه آشکارا از این کشور و نیز از خیلی دیگر از کشورهای جهان سوم متمایز است؛ به این دلیل که توزیع جمعیت و فعالیتها در شهرهای مختلف آن از هماهنگی زیادی برخوردار است. این توزیع هماهنگ، در وهله اول به این علت است که آناتولی از ادوار باستان و بیزانس، چنان که از نام شهرها پیداست، شبکه‌ای بسیار کامل از شهرهای عمده را به ارث برده است؛ سه چهارم مراکز ایالات فعلی ترکیه، اسامی غیر ترک دارند که نمایانگر تداوم وجود مردم در آنها از دوره کهن است؛ در صورتی که فزونی اسامی ترکی

برای شهرهای کوچک مربوط به پیدایش نسلی جدید از مراکز شهری از اواخر قرن گذشته است. (دُپلانول<sup>۵</sup>، ۱۹۶۹، صفحات ۲۵۶-۲۵۰). افزایش شهرها، با یک تغییر بنیادی همراه بوده است: به این ترتیب که نقش تعیین کننده آنها، از این پس نقشی ناحیه ای است. بنابراین بجا خواهد بود که یک بار به طور خلاصه، چگونگی و نتایج رشد شهری را یادآور شده، و قبل از معرفی شهرهای ترکیه که بر اساس سطح طبقه بندی شده آنها در «هرم شهری» رده بندی شده اند، به تحلیل عناصر تشکیل دهنده این نقش ناحیه ای پردازیم.

### I- یک رشد شهری قوی با توزیع بسیار مناسب

#### ۱-۱. تحول کلی جمعیت شهری

رشد جمعیت شهری باید طبیعتاً در محدوده رشد کلی جمعیت کشور که خود بسیار شدید است، مورد ارزیابی قرار بگیرد. جمعیت کشور ترکیه در سال ۱۹۲۷ و به هنگام نخستین سرشماری در دوره جمهوری از ۱۳/۶ میلیون نفر (که احتمالاً کمتر برآورده شده) به ۵۱/۴ میلیون نفر در سال ۱۹۸۵ رسیده است (جدول شماره ۱)

ابتدا، نرخ رشد جمعیت شهری، در مدت یک ربع قرن، یعنی در فاصله سالهای ۱۹۲۷ تا ۱۹۵۰، ثابت و حدود ۲۵٪ بود؛ نکته ای که مؤید اختلاف کم و بیش ضعیفی بین میانگین نرخهای رشد سالانه جمعیتهای شهری و روستایی است. اما، بعداً به موازات شتاب در رشد کلی جمعیت- که دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰، بالاترین دوره آن است، رشدی ناگهانی در جمعیت شهری دیده می شود؛ به این صورت که از آن پس، جمعیت شهری ۲/۳ تا ۳/۸ برابر سریعتر از جمعیت روستایی افزایش پیدا می کند و به طور خیلی منظم، به جمعیت این بخش در کل جمعیت کشور افزوده می شود.

به نظر می رسد که رشد جمعیت در فاصله سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ کمی کندتر بوده، به طوری که در رشد کلی جمعیت این کاهش ظاهر شده است. اما این امر تا حد زیادی از این اشتباه آماری نتیجه شده که بر اساس آن، شهرهای مورد بررسی «مؤسسه دولتی آمار»<sup>۶</sup> صرفاً از لحاظ اداری به حساب آمده اند. در واقع اطلاق نام شهر فقط به مراکز ایالات<sup>۷</sup> و مراکز شهرستان<sup>۸</sup> آن هم بدون توجه به تعداد جمعیت آنها، اختصاص یافته است. معیار

دیگری نیز هست که مورد استفاده برخی و از آن جمله ر. کلچ<sup>۱</sup> (سال ۱۹۶۱) و تمرتکین (سال ۱۹۷۳) قرار گرفته و نتایجی متفاوت با آمار قبلی دارد. براساس این معیار، آستانه ده هزار نفر برای اطلاق نام شهر به یک محل مورد نظر است: طبق این معیار، جمعیت شهری از حدّ خیلی پایین شروع می شود، زیرا غالب فرمانداریها، ۱۰ هزار نفر جمعیت ندارند و به

جدول شماره ۱ - اهمیت شهرها در جمعیت ترکیه

تاریخ سرشماری	جمعیت کلّ	رشد سالانه، متوسط به درصد		جمعیت شهری		شهرهای بایش از ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت درصد کل
		رشد سالانه، متوسط به درصد	جمعیت کلّ	درصد کلّ	جمعیت کلّ	
۱۹۲۷/۱۰/۲۸	۱۳۶۴۸۲۷۰	۲/۱۳	۳۳۰۱۰۴۴	۲۴/۲	۲۲۳۶۰۸۵	۱۶/۴
۱۹۳۵/۱۰/۲۰	۱۶۱۵۸۰۱۸	۱/۹۵	۳۸۰۲۶۴۲	۲۳/۵	۲۶۸۴۱۹۷	۱۶/۶
۱۹۴۰/۱۰/۲۰	۱۷۸۲۰۹۵۰	۱/۰۶	۴۳۴۶۲۴۹	۲۴/۴	۳۲۳۴۴۷۱	۱۸/۱
۱۹۴۵/۱۰/۲۱	۱۸۷۹۰۱۷۴	۲/۲۰	۴۶۸۷۱۰۲	۲۴/۹	۳۴۴۱۳۹۵	۱۸/۳
۱۹۵۰/۱۰/۲۲	۲۰۹۴۷۱۸۸	۲/۸۱	۵۲۴۴۳۳۷	۲۵/۰	۳۸۸۳۸۶۵	۱۸/۵
۱۹۵۵/۱۰/۲۳	۲۴۰۶۴۷۶۳	۲/۸۹	۶۹۲۷۳۴۳	۲۸/۸	۵۳۲۸۸۴۶	۲۲/۱
۱۹۶۰/۱۰/۲۳	۲۷۷۵۴۸۲۰	۲/۴۹	۸۸۵۹۷۳۱	۳۱/۹	۶۹۹۹۰۲۶	۲۵/۲
۱۹۶۵/۱۰/۲۴	۳۱۳۹۱۴۲۱	۲/۵۵	۱۰۸۰۵۸۱۷	۳۴/۴	۹۳۴۳۰۰۶	۲۹/۸
۱۹۷۰/۱۰/۲۵	۳۵۶۰۵۱۷۶	۲/۵۳	۱۳۶۹۱۱۰۱	۳۸/۵	۱۲۷۳۴۴۷۶	۳۵/۷
۱۹۷۵/۱۰/۲۶	۴۰۳۴۷۷۱۹	۲/۰۹	۱۶۸۶۹۰۰۷	۴۱/۸	۱۶۶۴۳۸۰۹	۴۱/۳
۱۹۸۰/۱۰/۱۲	۴۴۷۳۶۹۵۷	۲/۸۲	۱۹۶۴۵۰۰۷	۴۳/۹	۲۰۳۳۰۰۶۵	۴۵/۷
۱۹۸۵/۱۰/۲۰	۵۱۴۲۰۷۵۷		۲۷۵۹۲۶۸۵	۵۳/۷	?	-

• نتایج موقتی

منبع (D.I.E. (Institut d'Etat de statistique)

تناسب این که شهرهای مکمل [شهرکها] از این آستانه عبور کنند، جمعیت شهری بسرعت افزایش پیدا می‌کند. رشد فضایی شهرهای بزرگ، جمعیت را به محدوده‌های پیرامونی می‌راند که از لحاظ اداری «روستایی» محسوب می‌شوند. پدیده مزبور در اطراف استانبول و از میر به طور قابل توجهی نمایان است. در حالی که مراکز کانتون<sup>۱۱</sup> به نوبه خود ابعاد شهری به خود می‌گیرند و به طور رسمی ایجاد شهرداری برای آنها مورد تصویب قرار می‌گیرد. به این ترتیب، جمعیت محلّهای با بیش از ۱۰ هزار نفر به طور واضحی از مرز جمعیت «شهرنشین»- در مفهوم دقیق آن در سال ۱۹۸۰- تجاوز می‌کند.

در فاصله زمانی بین دو سرشماری اخیر، تقسیمات اداری در ترکیه به گونه‌ای که بیشتر به واقعیت نزدیک است، تغییر یافته است: روستاهای سابق در محدوده شهرداریهای، شهر مرکزی گنجانیده شده و برخی از مراکز کانتون به فرمانداری ارتقاء سطح پیدا کرده‌اند\*. با به کارگیری این تعریف جدید در سرشماری سال ۱۹۸۰، به نتیجه ۲۱,۹۹۳,۳۱۸ نفر جمعیت شهری می‌رسیم که ۴۹/۲٪ جمعیت کل کشور را شامل می‌شود. نتایج مقدماتی سرشماری بیستم اکتبر ۱۹۸۵ (DIE) - که باید با احتیاط به آن نگریست- خبر از یک جمعیت ۲۷,۵۹۲,۶۸۵ نفری شهرنشین می‌دهد. حتی اگر نتایج قطعی نیز نرخ جمعیت شهری را کمی پایتتر از ۵۳/۷٪ اعلام شده، نشان دهد، مسلم است که جمعیت شهرنشین از مرز ۵۰٪ گذشته و از این پس اکثریت مردم ترکیه شهرنشین خواهند بود.

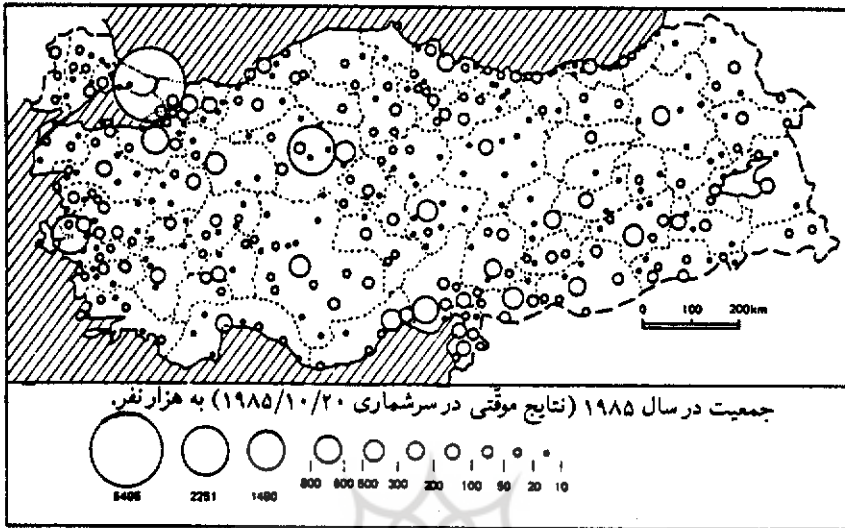
### ۱-۲- تراکم شبکه شهرها

رشد جمعیت در میان شهرهای با ابعاد بسیار متفاوت که در سرتاسر جمهوری ترکیه پراکنده‌اند، تقسیم شده است (نقشه شماره ۱)

پرجمعیت‌ترین شهر ترکیه، استانبول، با داشتن ۵/۵ میلیون نفر جمعیت- یعنی دو برابر جمعیت شهر آنکارا که بلافاصله بعد از آن قرار می‌گیرد- به طور مشخصی از دیگر شهرهای ترکیه متمایز است. با این حال، کاملاً مبالغه آمیز خواهد بود، اگر در مورد ترکیه مفهوم «افزایش غیر عادی جمعیت شهری» به کار گرفته شود؛ زیرا نخستین شهر آن، فقط یک

10. Bucak merdezi

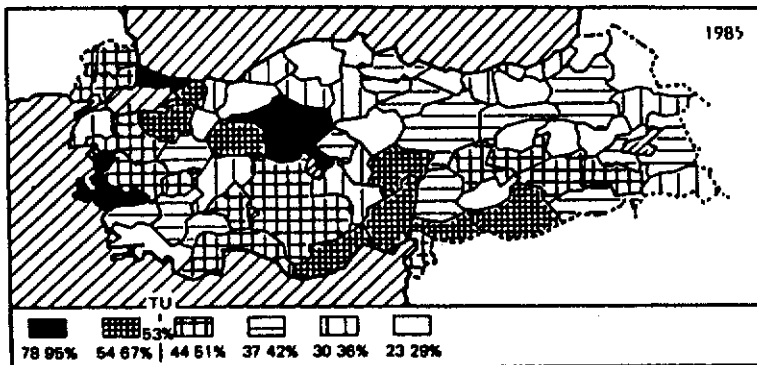
\* رشد به‌ظاهر شدید جمعیت در فاصله سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵، در واقع توجه کننده این تغییر تقسیمات اداری است.



نقشه شماره ۱: توزیع شهرهای ترکیه با بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر جمعیت.

پنجم جمعیت شهری (۹/۱۹٪) و بزحمت بیش از یک دهم جمعیت کل کشور را شامل می شود. این مورد خیلی با وضعیت مصر اختلاف دارد که در آن جا، قاهره بزرگ به تنهایی نیمی از جمعیت شهرنشین کشور را (بر اساس سرشماری سال ۱۹۷۶) در خود جای داده است. با اضافه کردن جمعیت دو شهر «میلیونی» آنکارا و ازبیر به جمعیت استانبول، یک سوم جمعیت شهرنشین ترکیه را خواهیم داشت. مجموعه ۶۴ استانداری دیگر که ۲۷ تایی آنها بیش از ۱۰۰ هزار و بیست تایی دیگر بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر جمعیت دارند، تقریباً یک سوم دیگر جمعیت شهرنشین و ۵۶۰ فرمانداری که پنج تایی آنها بیش از ۱۰۰ هزار نفر، ۳۲ تایی آنها بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر و ۲۶۰ تایی آنها نیز بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند، نیز یک سوم بقیه جمعیت شهرنشین ترکیه را شامل می شوند. بنابراین بین شهرهای گوناگون ترکیه، نوعی توازن و هماهنگی وجود دارد.

نقشه توزیع فضایی شهرها، نشان دهنده یک تراکم شبکه شهری پیوسته اما به کلی ناهمگن است. شبکه شهرها که بخصوص به جانب مرمره و اژه و یا در منتهایلیه شرقی مدیترانه متراکمتر است، در آناتولی مرکزی و نیز به طور نمایانتر در نواحی کوهستانی آناتولی شرقی، که با ناحیه کوهستانی ترکیه، کمترین نرخ شهرنشینی را دارا هستند، امتداد



نقشه شماره ۲: نرخ جمعیت شهرنشین

می یابد. (نقشه شماره ۲)

اما، حتی در همین نواحی دارای جمعیت شهری کمتر، شهرهای ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفری که به تناسب فضایی منظم، از یکدیگر مجزا شده، موجب می شوند که ایالتشان بوضوح نرخ جمعیت شهرنشین بالاتر از ایالت‌های همجوار خود داشته باشد. در مقیاس فضایی پایینتر، در داخل هر ایالت، مجموعه‌ای از شهرهای کوچکتر که مرکز شهر را احاطه کرده‌اند، در نقشه دیده می شوند.

آیا این بار جمعیتی نابرابر به حوزه‌های نفوذی که داخل هم شده‌اند، مربوط نمی شود؟ بدون شک، رونق ناحیه‌ای یک شهر، الزاماً ارتباطی با میزان جمعیت آن شهر ندارد. اما در ترکیه استثنائات در این رابطه نسبتاً نادر است. برای درک بهتر طبقه بندی شهری، بجاست نقش مشاغل مختلف را دربار ناحیه‌ای شهرها بررسی کنیم.

## II - نقش مشاغل مختلف شهری در طبقه بندی شهرها

طبقه بندی که تمرکزکن (۱۹۷۳، صفحات ۱۴۳ تا ۱۸۰) در مورد مشاغل مختلف و براساس آمار سال ۱۹۶۵ ارائه داده است. «حرفه غالب» در ۷۲ شهر از مجموع ۲۱۵ شهر دارای جمعیت بیش از ۱۰ هزار نفر، را کشاورزی نشان می دهد و بعداً به ترتیب مشاغل صنعتی در ۶۷ شهر (صنایع استخراجی در ۷ مورد و صنایع کارخانه‌ای در ۶۰ مورد)، «فعالیت‌های مختلف» یا بخوبی «مشخص شده»، شامل شغل نظامیگری در ۵۵ مورد و

خدمات در ۲۱ شهر قرار می‌گیرند. اما این ملاک صرفاً عددی که فعالیتهای دارای بیشترین عضو را نشان می‌دهد، نه توانسته و نه می‌تواند ادعا کند که وضعیت طبقه بندی شهرها را بنمایاند. چیزی که ما باید در این جا در نظر بگیریم، مفهوم ناحیه ای این مشاغل است.

## II - ۱. ادارات و خدمات عمومی

عملکرد اداری نه فقط به این دلیل که کنترل مراکز تصمیم گیری شهری را در یک محدوده برقرار می‌کند و نیز جریان جابجایی کارمندان را به سوی شهرها ایجاد می‌کند، نقش اساسی بر عهده دارد، بلکه بیشتر به این سبب اهمیت دارد که بر تقسیمات اداری سرزمین ترکیه که عمیقاً در اذهان عمومی ریشه دارد، متکی است.

ترکیه بعد از دوران جمهوری، از این نظر وارث امپراتوری عثمانی است که به گواهی «دفتر ثبت تفصیلی<sup>۱۱</sup>» مالی قرن شانزده، بدون تردید تنها دولت جهان اسلام بوده است که ساختارهای اداری بسیار پیشرفته داشته است. همین اسناد است که اساس تحقیقات شایان توجه جغرافیای تاریخی هوته روث<sup>۱۲</sup> و شاگردانش واقع شده است. بررسی تقسیمات اداری پی در پی که هوته روث (سال ۱۹۷۵) طبق روش قهقرایی انجام داده است، ارتباط مستقیم بین تقسیمات فعلی را در خطوط اصلی و تقسیماتی که در اواخر قرن گذشته وجود داشته و کوئینه (۹۴ - ۱۸۹۱) آن را شرح داده است، نشان می‌دهد؛ تقسیماتی که از تجدید سازمان اداری تنظیمات<sup>۱۳</sup>، «عصر اصلاحات» (داویزون<sup>۱۴</sup>، ۱۹۶۳) حاصل شده است. این اصلاحات از یک سوسطوح بالای اداری را در ولایات که برخی از تقسیمات فرعی دو «ایالت» مرکزی بزرگ روملی<sup>۱۵</sup> و آناتولی و بعضی دیگر از اتحاد «ایالات» کوچکتر پیرامونی نتیجه شده‌اند، یکسان کرده بود، اما در دیگر سطوح مقیاس فضایی، اصلاحات، محدود شده بود به تبدیل «واحدهای سرزمینی» منطبق شده بر مشاغل مختلف، نظامی برای «سنجاق» یا «لوا»<sup>۱۶</sup> قضایی برای «قضا»

11. Defter - i - mufassal. 12- W - D. Hütteroth 13. V. Cuinet

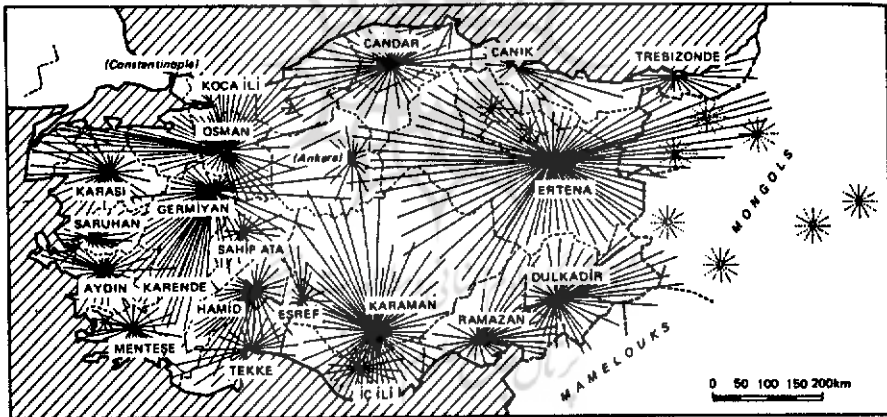
۱۴ - دوره تنظیمات در زمان سلطان عبدالمجید در سال ۱۸۳۹ که به موجب فرمان وی اصلاحاتی در شئون اداری و فکری و ادبی کشور شروع شد.

15- Davison 16- Roumélie.

۱۷ - Lival یا Sancak به معنای پرچم. در تشکیلات اداری عثمانی، اداره بین استان و شهرستان را می‌گفتند.



(محدوده اختیارات یک «قاضی») و مالی برای «ناحیه»، به حوزه‌های اداری واقعی که توسط کارمندان غیرنظامی - متصرف<sup>۱۸</sup> در رأس سنجاق و «کیمکام<sup>۱۹</sup>» [قائم مقام] در رأس «قضا» اداره می‌شد. اگر ثبات این واحدها تغییر یافته، اما شکل جغرافیایی آنها به گذشته‌ای دور می‌رسد: محدوده تعداد زیادی از «سنجاق» ها بر «بی لیک<sup>۲۰</sup>» های قرن چهاردهم، منطبق است. «بی لیک» های مزبور، سلطان نشینهای مستقلی بودند که از تجزیه پادشاهی سلجوقی، قبل از ادغام تدریجی آنها در امپراتوری عثمانی، به وجود آمده بودند. (هوته روث، ۱۹۸۲، صفحات ۱۹۴ تا ۱۹۸ و تصویر شماره ۶۲ - که در ذیل نشان داده شده است). جمهوری ترکیه یکپارچه و منسجم، در اساس، تقسیماتی را که از قبل وجود داشته، حفظ، اما هرم اداری را با حذف رده بالای «ولایات»، ساده کرده است. عنوان «ولایت» اکنون نیز برای نشان دادن «سنجاق» های قدیمی مورد استفاده است. این «ولایت‌های»



نقشه شماره ۳: «بی لیک» های قرن ۱۴ در واحدهای اداری امپراتوری عثمانی (هوته روث، ۱۹۸۲، صفحه ۱۹۶).

جدید بعداً نام خالص ترکی «ایل<sup>۲۱</sup>» به خود گرفتند، ولی صاحب منصبی که اداره آن را بر عهده دارد، همچنان به نام «والی» خوانده می‌شود. به نظر می‌رسد که واژه‌های

Préfet و département برای نشان دادن این دو نام، مناسبتر از کلمه‌های Province و gouverneur که رایجتر و بخصوص مورد استفاده نویسندگان انگلیسی زبان است، باشد اما احتمال این خطر نیز هست که با سطح واقعاً ایالتی، «ولایتهای» قدیمی اشتباه شود. در واقع، دولت آتاتورک، درست به صورتی که قبل از وی اصلاح طلبان «تنظیمات» (داویزون، ۱۹۶۳) این کار را کرده بودند، از شیوه فرانسوی الهام گرفته بود، شیوه‌ای با تقسیمات فرعی مشابه با ناحیه، کانتون و دهستانهای ما.

این سطح ایالتی، اساس و تاروپود سازمان قضایی ترکیه را تشکیل می‌دهد (نقشه شماره ۴). علاوه بر استانداری<sup>۲۲</sup> به عنوان الگوی حضور حکومت مرکزی، کلیه ادارات و نهادهای بزرگ دولتی نیز دارای یک اداره ایالتی<sup>۲۳</sup> [اداره کل] هستند. اما در نظر مردم، استانداری فقط به محلی برای مراجعات گاه‌بگاه مردم به ادارات مرکز ایالت محدود نمی‌شود. مرکز ایالت، محل مراجعه اصلی است، محلی برای مراجعه به نسبت شهرها: نکته قابل توجه این که، ۶۳ ایالت از ۶۷ ایالت ترکیه، همان نام مرکز ایالت خود را دارند. تعداد زیادی از این اسامی، جایگزین اسامی نواحی شده‌اند که قدمت آنها به دوره «بی‌لیک» های قرون وسطی می‌رسد. از اسامی آن دوره فقط قوجالی<sup>۲۴</sup> (مرکز آن ایزمیت<sup>۲۵</sup>) و اچیل<sup>۲۶</sup> (مرکز آن مرسین<sup>۲۷</sup>) همان نامهای قدیمی را حفظ کرده‌اند، در حالی که میثش<sup>۲۸</sup> به موغلا<sup>۲۹</sup>، تگه<sup>۳۰</sup> به آنتالیا<sup>۳۱</sup>، خداوندگار<sup>۳۲</sup> به بورسا، ذوالقدر<sup>۳۳</sup> به مرعش<sup>۳۴</sup> و... تغییر کرده‌اند.

احساس تعلق ساکنان به «ایالت» از قرن‌ها پیش، برای برخی، به واسطه ثبات این واحدها، تشدید هم شده است. در هر حال، از زمان استقرار جمهوری، به جز حوزه استحقاقی (سنجاق) اسکندرون که در سال ۱۹۳۹ با نام ختای<sup>۳۵</sup> (مرکز آن انطاکیه) ضمیمه شد، تنها چهار ایالت دیگر در طول سالهای ۱۹۵۰ ایجاد شد. ایالت‌های آدی‌یامان<sup>۳۶</sup> و سقاریه<sup>۳۷</sup> (مرکز آن آداپازاری<sup>۳۸</sup>) به ترتیب از ایالات ملطیه<sup>۳۹</sup> و قوجالی جدا شدند، ایالت اوشاق<sup>۴۰</sup> از بخشهای جدا شده از کوتاهیبه<sup>۴۱</sup> و مانیسا<sup>۴۲</sup> به وجود آمد و ایالت نیشهر<sup>۴۳</sup> نیز از

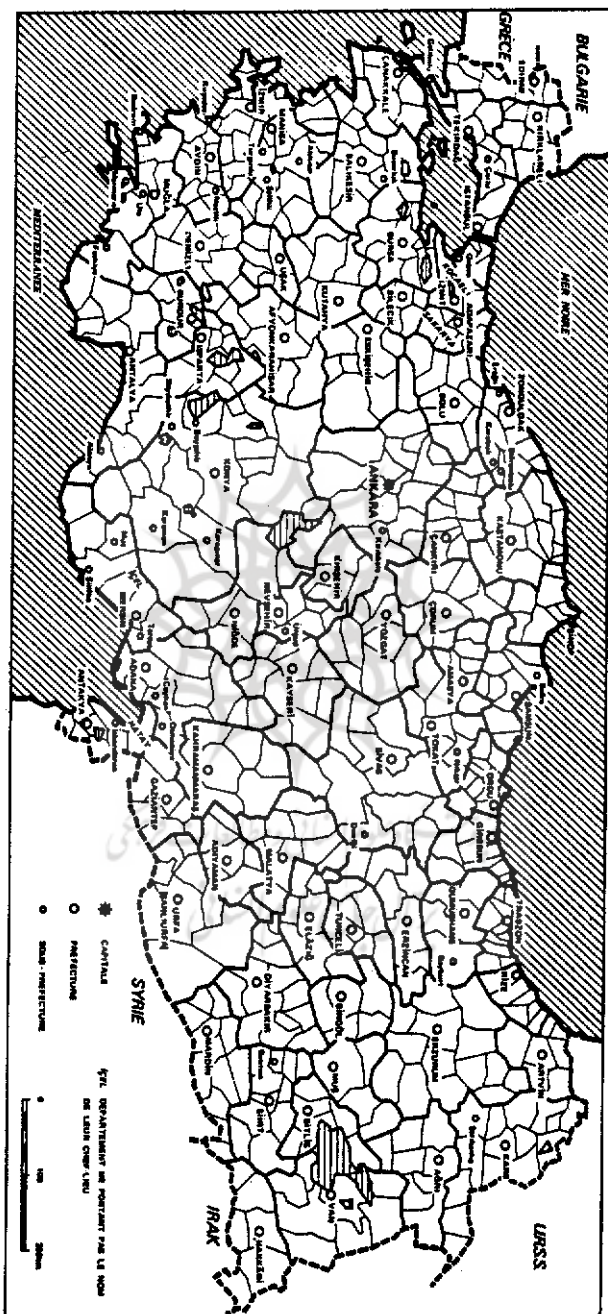
22- Valilik, Vali konağı 23- İl Müdürlüğü 24- Kocaeli 25- Izmit

26- İçel 27- Mersin 28- Menteşe 29- Muğla 30- Tekke 31- Antalya

32- Hüdâvendigar 33- Dulkadir 34- Maras, 35. Hatay 36. Adiyaman 37- Sakarya

38- Adapazari 39- Matalya 40- Usak 41- Kütahya 42- Manisa 43- Nevşehir

نقشه شماره ۴ : کشور ترکیه



ادغام قسمتهایی از نیغده<sup>۴۴</sup>، قرشهر<sup>۴۵</sup> و قیصریه<sup>۴۶</sup>، ایجاد شد. هنگامی که از یک ترک سؤال می‌شود: «اهل کجا هستید؟»، حتماً جواب خواهد داد: «اهل سیواس<sup>۴۷</sup>، یا توکات<sup>۴۸</sup>، یا ملطیه ویا...». احتمالاً وی اهل این شهرها نیست، بلکه ممکن است از ساکنان یکی از فرمانداریها و یا روستاهای متعلق به استانداریهای مورد سؤال باشد. بنابراین، در ترکیه از مدتها پیش، فضای ملموس، همان فضای تحت الشعاع شهرهاست.

ایالات ترکیه به شهرستانها («ایلچه<sup>۴۹</sup>» سابقاً حوزه قضایی که به فرماندار آن «کیمکام» گفته می‌شد)، کانتونها (سابقاً «ناحیه») و «دهستانها<sup>۵۰</sup>» تقسیم می‌شود. در این جا نیز، در مقایسه با تقسیمات فرانسه، این واژه‌ها را بر کلمات Suh - district و واژه عامیانه Village ترجیح دادیم؛ واژه‌هایی که به سبب نبود معادلهای دقیق، مورد استفاده نویسندگان انگلیسی زبان قرار گرفته‌اند. به عکس ایالتهایی که شکل خارجی آنها نسبتاً ثابت مانده، تاروپود شهرستانها، بیش از پیش فشرده شده است. تعداد فرمانداریها<sup>۵۱</sup> از ۳۲۰ در سال ۱۹۲۷ به ۵۸۰ در سال ۱۹۸۵ رسیده است (در واقع به ۵۶۰ فرمانداری، با احتساب این واقعیت که سه شهر استانبول، آنکارا و ازمیر به چندین ناحیه شهری تقسیم شده‌اند). ایجاد فرمانداریهای جدید، نقطه شروع یک فرایند شهرنشینی نبوده، بلکه بیشتر به هدف صحه گذاشتن بر گرفتن بُعد (و گرفتن شکل) شهری، اجتماعات کوچک تجاری، صورت می‌گیرند. در سطح پایینتر، «مراکز کانتونها» عبارت از قصبات ساده‌ای هستند که از خدمات عمومی بسیار محدودی برخوردارند: یک گروهان ژاندارمری، یک دفتر پست، احتمالاً یک درمانگاه و به طور بسیار نادر، یک کالج. تعداد کانتونها از ۸۰۹ در سال ۱۹۳۵ به ۹۴۷ در سال ۱۹۵۰ رسید و بعداً در سال ۱۹۸۵ به ۸۸۱ کانتون کاهش یافت. علت این امر آن بود که برخی از این کانتونها، یکی پس از دیگری به مرکز شهرستان ارتقاء یافتند، یعنی بنابر دیدگاه DIE به «شهر» تبدیل شدند. در مجموع، شبکه اداری به تمرکز بیشتر روی آورده است.

در مرتبه بالاتر از ایالت، آنکارا قرار دارد که پایتخت حکومتی بشدت متمرکز است. در این حال، در بیشتر سازمانهای اداری، یک بخش میانی، بین بخشهای مرکزی و

44- Niğde      45- Kirsehir      46- Kayseri      47- Sivas  
48- Tokat.      49- İlçe      50- Muhtarlik  
51- İlçe merkezi

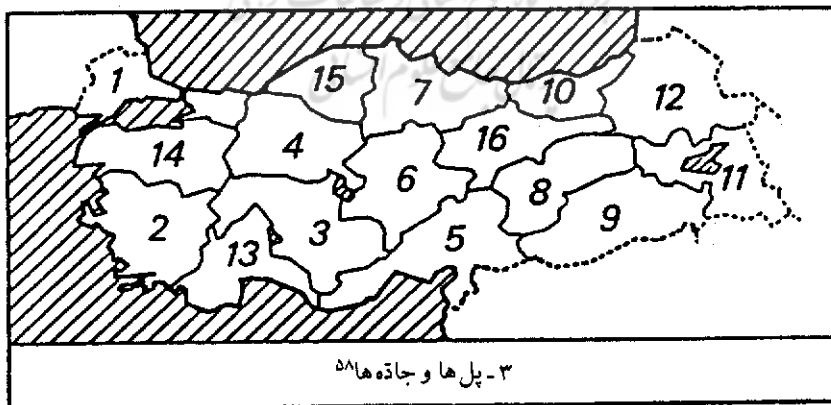
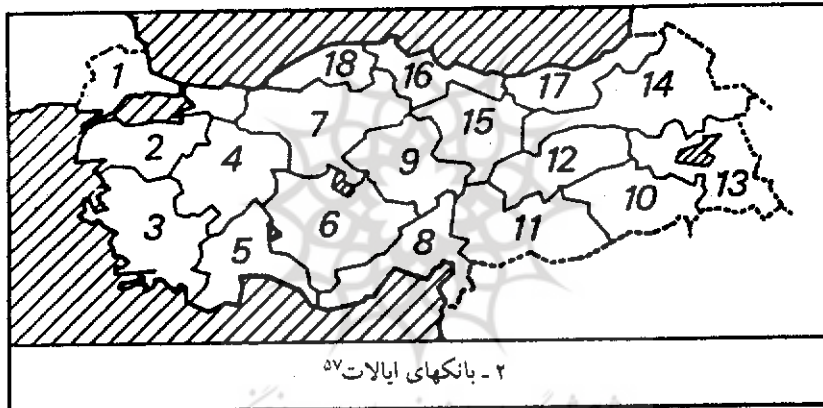
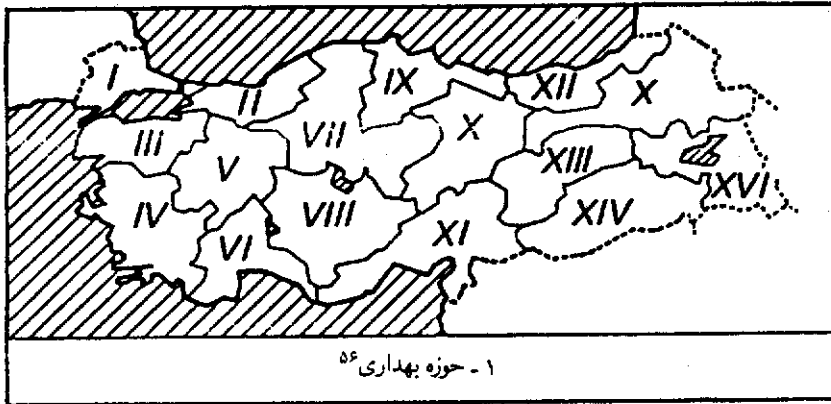
اداره‌های ایالتی به نام «ادارات ناحیه‌ای»<sup>۵۲</sup> وجود دارد که بین دو تا هشت ایالت را تحت امر خود دارند. این وضع کمی شبیه به وضعیتی است که در فرانسه تا قبل از سالهای ۱۹۶۰ وجود داشته: تعداد کل «ناحیه‌ها»<sup>۵۳</sup>، مرکز اداری آنها، شماره گذاری و شکل خارجی آنها، بسته به هر اداره تغییر می‌کند و هیچ «حوزه سرزمینی» دارای ویژگی کلی، مشابه با نواحی کنونی در فرانسه وجود ندارد. با توجه به سه نمونه ارائه شده در نقشه‌های شماره ۵، بخوبی می‌بینیم که مطلقاً هیچ «حوزه ناحیه‌ای» در این سه مورد، یکی نیست. یکنواختتر از همه این نواحی، ناحیه آنتالیا (به ترتیب شماره‌های ۷۱، ۵، ۱۳ بر روی سه نقشه) است که هر بار از سه ایالت آنتالیا، بوردور<sup>۵۴</sup> و اسپارتا<sup>۵۵</sup> تشکیل می‌شود، در نقشه پلها و جاده‌ها، دو قطعه به شکل نیم دایره نیز در سمت محورهای جاده‌های اصلی در شمال و غرب به این ناحیه اضافه شده است؛ ولی آیا همین تقسیم در دیگر ادارات نیز دیده می‌شود؟ در بیشتر موارد، همچنان که قبلاً در مورد ارزروم (بازن، ۱۹۶۹، صفحات ۲۹۲ تا ۲۹۳) نشان داده شده، ادارات ناحیه‌ای مختلفی که مرکز آنها در یک شهر قرار دارد، «مجموعه سرزمینی» مشابهی را تحت امر خود ندارند. در مقابل، مرثوسین بیشتر ایالاتی که منجر به دستورات اداری در مقیاس ناحیه‌ای هستند، بایستی بسته به اداره مربوطه، به دو یا حتی سه شهر مختلف رفت و آمد کنند.

در کنار ادارات، خدمات عمومی، مثل خدمات بهداشتی و آموزشی نیز به این شبکه اداری مربوطند و آن را تقویت و حتی گاه بسیار پیچیده می‌کنند. در بخش آموزش، هنگامی که جوان روستایی، می‌خواهد بعد از دوره دبستان<sup>۵۶</sup> که اجباری است و در هر دهستان وجود دارد، تحصیلات خود را ادامه دهد، به مدرسه راهنمایی<sup>۶۰</sup> «مدرسه متوسطه» واقع در مرکز فرمانداری، و سپس به دبیرستان<sup>۶۱</sup> واقع در مرکز استانداری، یا در مرکز یک فرمانداری مهم و بالاخره به دانشگاه، واقع در یک شهر در سطح ناحیه‌ای، می‌رود؛ اما دانشگاهی که وی در آن تحصیل خواهد کرد اجباراً در شهر، ناحیه‌ای که محل سکونت وی معمولاً تابع آن است، قرار ندارد. در واقع، با توجه به این که حوزه پذیرش تمام دانشگاهها و مدارس عالی،

52- Bölge müdürlüğü 53- Bölge 54- Burdur 55- Isparta

56- Sağlık Bölgeleri 57- İller Bankası 58- Karayolları 59- İlk okul

60- Orta okul 61- Lise



نقشه های شماره ۵ - سه نمونه از تقسیمات اداری ناحیه ای

همه قلمروی جمهوری ترکیه را در بر می‌گیرد، ورود به مقطع آموزش عالی، از طریق یک کنکور سراسری ملی صورت می‌پذیرد. در این حال، وجود مؤسسات دانشگاهی موجب بالا رفتن اهمیت ناحیه‌ای یک شهری شوند، چند سال اخیر شاهد افزایش دانشگاهها در مراکز ناحیه‌ای و مدارس عالی، حتی در تعداد زیادی از شهرهای متوسط بوده است، به طوری که کم کم برتری خردکننده استانبول و آنکارا را که دانشکده‌هایشان بترتیب ۴۳/۴۲۲ و ۳۷/۳۲۱ دانشجو در سال تحصیلی ۱۹۸۱-۱۹۸۲ در برابر ۳۴۴۹۳ دانشجو در تمام دانشگاههای دیگر (به استثنای «آکادمی‌ها»، مدارس عالی و مؤسسات آموزش مستمر) داشته‌اند، مورد سؤال قرار می‌دهد.

در بررسی حرف مربوط به دولت، بایستی جایی نیز برای حرفه نظامی در نظر گرفت. با آن که ارتش دارای نقشی بسیار مهم در حیات اجتماعی و سیاسی ترکیه است. توزیع فضایی واحدهای نظامی در این جا نیز مانند جاهای دیگر، تأثیری بسیار محدود در سلسله مراتب شهری دارد. وجود نیروهای نظامی، با افزودن جمعیت شهری، بدون آن که امکانات شهری به همان نسبت افزایش یابد، بیشتر سبب بروز یک اختلاف منفی بین بار جمعیت شناسی و رونق ناحیه‌ای است. از بیان شهرهایی که دارای پادگان نظامی هستند، شهرهای مهم دارای رونق ناحیه‌ای، چون سیواس، ارزروم (بازن، ۱۹۶۹، صفحه ۲۹۱) یا دیاربکر<sup>۶۲</sup>، کمتر از شهرهای متوسط چون بالکسیر<sup>۶۳</sup>، تکیرداغ<sup>۶۴</sup>، اسپارتا یا آماسیا<sup>۶۵</sup>، ارزینجان<sup>۶۶</sup>، قارص<sup>۶۷</sup> و آغری<sup>۶۸</sup>، به چشم می‌خورند. نگرانیهای استراتژیک در مقیاس کل کشور است که توزیع نیروهای نظامی و مراکز عمده فرماندهی را سبب می‌شود. شاهد این موضوع، انتقال اخیر مرکز ناحیه نظامی جنوبی از قونیه<sup>۶۹</sup> به ملطیه است که در فاصله دورتری از قبرس واقع است و بیشتر به مناطقی که شورشیان گرد در آنها سکونت دارند و نیز مرزهای سوریه و عراق، نزدیک است.

## II - ۲. حرفه تجارت

این حرفه نیز به لحاظ جذب مشتری و کشاندن آنها به سوی بازارهای تجاری در سطوح مختلف، نقشی عمده بر عهده دارد. ساختار سنتی تجارت در ترکیه بر اساس سه سطح

62-Diarbakir 63-Balikesir. 64-Tekirdag 65-Amasya

66-Erzincan 67-Kars 68-Agri 69-Konya

طبقاتی استوار است، که تفاوت آنها فقط یک تفاوت کمی نیست، بلکه تفاوت آنها در شکلهای بنیادی مختلف است.

در رأس این طبقه بندی «دروازه های شرق<sup>۷۰</sup>» قرار داشتند که دروازه های تجارت ترکیه در دوره عثمانی محسوب می شدند، دروازه هایی که هم محل ورود کالا از غرب بوده است و هم مراکز جمع آوری محصولات کشاورزی و صنایع امپراتوری عثمانی. دو «دروازه» عمده ترکیه، یکی استانبول بود که به عنوان مرکز تجارت و نیز پایتخت سیاسی، قدرتهای اروپایی را قادر می ساخت در آنجا فعالیتهای اقتصادی را بر نفوذ سیاسی و یا بالعکس برتری بخشند؛ و از میر/اسمیرن<sup>۷۱</sup>، که نقش آن به عنوان بندر صادراتی در قرن نوزده، با ایجاد یک شبکه خطوط راه آهن در آن (رک: مقاله سوزر<sup>۷۲</sup> در پایان این تحقیق)، تقویت شد. به این مراکز بایستی شهرهایی چون اسکندرون/الکساندرت<sup>۷۳</sup> را نیز اضافه کرد که به عنوان بندرگاه حلب، مدتهای مدید یکی دیگر از نقاط تجاری امپراتوری عثمانی به شمار می رفت، و نیز شهر هرسین که برای صدور پنبه چوقور و<sup>۷۴</sup> در سال ۱۸۹۲ ایجاد شد. کلیه این شهرهای بندری به واسطه دارا بودن ساختار اجتماعی- فضایی ویژه، از دیگر شهرها متمایز بودند، زیرا فعالیتهای تجاری در آنها در دست اقلیتهای مذهبی، یونانیان، ارمنیان، یهودیان بود؛ اقلیتهایی که با شرکای اروپایی خود، شرکتی «شرقی» با حال و هوای خاص ایجاد کرده بودند. آنها در محله های مجزا، واقع در پشت تأسیسات بندری، انبارها و دفاتر صادرات و واردات زندگی می کردند: از جمله این محلات، محله گالاتا<sup>۷۵</sup> بود که از همان دوره قرون وسطی، در ساحل شمالی، خلیج شاخ زرین<sup>۷۶</sup> و در مقابل شهر قدیمی استانبول توسعه پیدا کرد، و یا محله های شمال از میر، حد فاصل سنجاق/پونتا<sup>۷۷</sup> که بیشتر یونانی نشین و شرقی است و بسمان<sup>۷۸</sup> که ارمنی نشین است، امروزه، برتری این بنادر تجاری به همان صورت گذشته نیست و هویت قومی آنها نیز، به استثنای استانبول که همچنان اقلیتهای زیادی را در خود دارد، از بین رفته است. اسکندرون نیز که به واسطه مرز سوریه با ترکیه، از سرزمین اصلی بریده شده، جایگاه خود را به عنوان معبر شهر حلب، به لاذقیه<sup>۷۹</sup> داده است. اما شهرهای مزبور، همچنان به عنوان نخستین دروازه های کشور (با متصل کردن ایزمیت، از اقمار استانبول که در عمق خلیجی به همین نام قرار گرفته، به استانبول)

70- «Echelles du Levant» 71- Smyrne 72- A. N. Sözer, 73- Alexandrette 74- cukurova.  
75- Galata. 76- Corne dor. 77- Alsoncak /punta 78- Basmane 79- Lattaquié



محسوب می شوند.

دومین پایه شبکه تجاری، از بازارهای شهری (چهارسو<sup>۸۰</sup>) تشکیل یافته بود. این بازارها از قبل در استانبول و از میر وجود داشت؛ در مناطق مجزا از مجموعه بندر- محله های شرقی- (مورد اول در قلب استانبول قدیمی و مورد دوم در شهر قدیمی) نیز این مراکز تجاری، مجتمعهای مهمی را تشکیل می دادند. سیمای قدیمی بازارهای «شرقی» را بر اساس توصیفات گزاویه دُپلانول (مقاله سال ۱۹۵۷، صفحات ۱۵ تا ۱۷) و ای. ویرث<sup>۸۱</sup> (در مقاله اساسی وی در سال ۱۹۷۴-۱۹۷۵) می توان نشان داد. در بازارهای مزبور، کتلی فروشی و جزئی فروشی و صنایع دستی رواج داشت و مشاغل به صنوف و بر حسب نوعی ترتیب طبقه بندی شده، تقسیم می شد. در بازارهای مزبور محل سکونت وجود نداشت و عناصری چند از معماری در آنها دیده می شد (اوزدج<sup>۸۲</sup>، ۱۹۵۳): راهرو که عمدتاً سر پوشیده بود و در حواشی آن حجره ها قرار داشت، سرا<sup>۸۳</sup> با صحن مربع مستطیل شکل، سالنهای سر پوشیده و یک ساختمان خاص بازارهای ترکیه، به نام راسته بازار<sup>۸۴</sup> (تحقیق ویرث، سال ۷۵-۱۹۷۴ صفحات ۲۲۸ تا ۲۲۹) و یک سرسرای پوشیده از یک رشته گنبد. بازار آنکارا، از هنگامی که برای استفاده به عنوان موزه باستانشناسی، مرمت شده، یکی از مشهورترین این بازارها محسوب می شود. اگرچه در تک نگاریهای جغرافیایی، به گونه ای که در تک نگاریهای جغرافیایی مربوط به خاورمیانه عربی و یا تک نگاریهای مربوط به ایران، دیده می شود، درباره این بازارها چیزی نیامده است، اما، به لطف روتر<sup>۸۵</sup> (سال ۱۹۷۷، صفحات ۲۸ تا ۶۰) توصیفی بسیار مفصل در مورد بازار انطاکیه و تغییراتی که در دوره معاصر در آن انجام گرفته، در اختیار داریم.

بازار، با توجه به پیچیدگی اش، تنها زمانی می تواند وجود داشته باشد که حدی خاص در آن رعایت شده باشد. در شهرهای بسیار کوچک، اصلیتترین شکل مکان رفع نیازهای اقتصادی، بازار هفتگی بود. در فرهنگ لغت ترکی، مرکز اقتصادی دائمی «چهارسو»، با «بازار<sup>۸۶</sup>» شکل ترکی واژه «بازار» فارسی، که مفهوم آن محدود به بازار دوره ای/ یا بازار کالاها خاص می شود، فرق می کند، در حالی که واژه یاد شده فارسی، درست مانند واژه مشابه آن در عربی (سوق/ سوک) هر دو مفهوم را می رساند. با آن که روزیکشنبه، در ترکیه

80- çarşı 81- E. Wirth. 82- Özdes 83- Han.

84- Bedesten. 85- L. Rother 86- Pazar

«روز خرید»<sup>۸۷</sup> خوانده می شود، ولی این بازارها در تمام روزهای هفته وجود دارند و همچنان که ب. اوتینگر<sup>۸۸</sup> (در سال ۱۹۷۶) در نقشه ای جالب مربوط به مورد آناتولی غربی، نشان داده، براساس نظم و ترتیب مرتبط با چرخه های کاملاً منظم تشکیل می شوند. تحول اخیر، تضاد بین این سه شکل خدمات تجاری را ملایمتر کرده است. حتی با توجه به این که استانبول و ازمیر هنوز هم دو مکان نخست تجاری در کشور محسوب می شوند، «دروازه های شرق» مقدار زیادی از موقعیت انحصاری خود را از دست داده اند. بازارهای شهری به خیابانهای بزرگ تجاری تبدیل شده اند، خیابانهایی که در آنها تفکیک فعالیتها، چندان مشخص نیست (ر. ک: نمونه انطاکیه را در تحقیق سال ۱۹۷۷ روتر، صفحات ۶۰ تا ۷۱). نکته بارز سی ساله اخیر بخصوص در همین جا خودنمایی می کند. شهرهای کوچک به طور قابل ملاحظه ای، ساختارهای تجاری خود را تقویت کرده اند. هوفلد<sup>۸۹</sup> به کمک نقشه ای تفصیلی (سال ۱۹۷۷-، صفحات ۸۵ تا ۱۰۴ و تصاویر ۶۶ تا ۷۴ در آخر آن) نشان داده است که چگونه یک مرکز تجاری دائمی، کم کم در ارتباط با محورهای رفت و آمد و بدون توجه به طبقه بندی مغازه ها و بوتیکها براساس صنفهای مختلف، توسعه پیدا کرده است. وجود یک بازار هفتگی در این مرکز، آن را کامل می کند؛ بازاری که بنابر مشاهدات شخصی در ساقران بولو<sup>۹۰</sup> در ناحیه پونتین غربی و نیز در شهرهای کوچک واقع در ساحل مدیترانه و نیز در سرتاسر ترکیه (بنابر تحقیق هوته روث) از رونق بسیار خوبی برخوردار است.

### III - ۳. صنعت

به خلاف فعالیتهای خدماتی که آنها را برشمردیم، فعالیتهای تولیدی، کشاورزی و صنعتی، نبایستی پیشاپیش، تأثیری بر جایگاه شهرها در طبقه بندی شهری داشته باشند. کشاورزی، هنوز هم بخش قابل ملاحظه ای از داراییها را در بسیاری از شهرهای کوچک، تشکیل می دهد؛ شهرهای کوچکی که زمینهای کشاورزی از داخل محدوده آنها شروع می شود. و اما در مورد صنعت، باید گفت که این بخش، به لحاظ توزیع بسیار نامساوی آن، نقشی نسبتاً مبهم در طبقه بندی شهرها برعهده دارد. در واقع، علی رغم کوششهای آتاتورک



تصویر شماره ۱: در بازار سافران بلو

برای پیشبرد و ترقی صنعت ملی، ترکیه از این لحاظ با داشتن فقط  $۱۰/۷\%$  جمعیت فعال در صنایع تولیدی و  $۱۵/۷\%$  در مجموعه بخش صنایع تبدیلی در سال ۱۹۸۰، کشوری عقب مانده محسوب می شود و انتقال صنایع از کانونهای اصلی هنوز پیشرفت چندانی نداشته است (رک مقاله اوزگوچ) ۹۱. تعجبی نیست که مشاهده می شود، پنج شهر بزرگ ترکیه، ضمناً پنج مرکز صنعتی نخست این کشور نیز به شمار می روند؛ شهرهایی که روی هم نزدیک به نیمی از نیروی کار صنعتی کشور ترکیه را در خود جای داده اند. اما در این جا، موضوع از یک توجیه ساده بار جمعیت شناسی این شهرها فراتر می رود. صنعت در ابتدا بر نقش تجاری استانبول و از میر پیوند خورده بود و اکنون جایگزین بخشی از این نقش شده است، در حالی که اساس و پایه پویایی جمعیت شناسی آدانا و بورسا را صنعت تشکیل داده و به طور غیر قابل تردیدی موجب

شده است که این شهرها به عنوان شهر ناحیه ای ابراز وجود کنند.

در این حال، مورد قدیمی شهرهای صنعتی ویژه را نیز می توان یافت که رونق ناحیه ای آنها در سطح خیلی پایینتری از بار جمعیتی آنها قرار دارد. از جمله این شهرها قریق قلعه<sup>۹۲</sup>، از شهرکهای صنعتی اقماری آنکاراست که تمام صنایع زیان آور برای پایتخت را در خود جای داده است و شهرک مزبور در سال ۱۹۸۵، دارای جمعیت قابل ملاحظه ۳۲۰،۰۰۰ نفر بوده است؛ شهرهای دیگر عبارتند از قرابوک<sup>۹۳</sup>، محل کارخانه فولادسازی (۹۵۰۰۰ نفر جمعیت)، باتمان<sup>۹۴</sup> که پالایشگاه آن، نفت استخراجی از توروس<sup>۹۵</sup> شرقی را تصفیه می کند (۱۱۴۰۰۰ نفر جمعیت) و شهرهای دارای صنایع بافندگی در حوزه دریای اژه (نازیلی<sup>۹۶</sup> ۷۷۰۰۰ نفر، آق حصار<sup>۹۷</sup>، ۶۸۰۰۰ نفر و تورغوتلو<sup>۹۸</sup> ۶۵۰۰۰ نفر) و حوزه چوقور و و (طرسوس<sup>۹۹</sup>، ۱۶۰،۰۰۰ نفر و عثمانیه<sup>۱۰۰</sup>، ۱۰۷۰۰۰ نفر).

آن شهرهای صنعتی توانسته اند به مرتبه مراکز ناحیه ای ارتقاء پیدا کنند که در مرکز یک ناحیه کشاورزی پویا واقع شده باشند، مثل اسکی شهر<sup>۱۰۱</sup> (تونچی دیلک<sup>۱۰۲</sup>، ۱۹۵۷) که از استقرار عده زیادی مهاجر بالکانی («مهاجر») سود می برد، و یا بخصوص شهرهایی که فضای بسته و خالی شبکه مراکزی را که از قبل وجود داشته اند، پر می کنند، این وضع باز هم در مورد اسکی شهر صدق می کند که در وسط مثلثی تشکیل شده از استانبول-بورسا-آنکارا واقع شده و نیز در مورد رونگولداک<sup>۱۰۴</sup> در ناحیه یون غربی و یا در مورد غازلی عنیتاب<sup>۱۰۵</sup> در جنوب شرقی، البته بعد از آن که مرز سوریه یا ترکیه، موجب شد این شهر از نفوذ حلب بر کنار بماند.

بنابراین، ملاحظه شد که در کنار جنبه شغلی، مفهوم فضایی نیز، نقشی غیر قابل انکار در استقرار شبکه شهری در ترکیه، داراست. تار و پود محلهای مرکزی بیش از آن که شکل شش ضلعی داشته باشند که مورد نظر کریستالر است، به صورت مثلثهایی درهم خودنمایی می کنند.

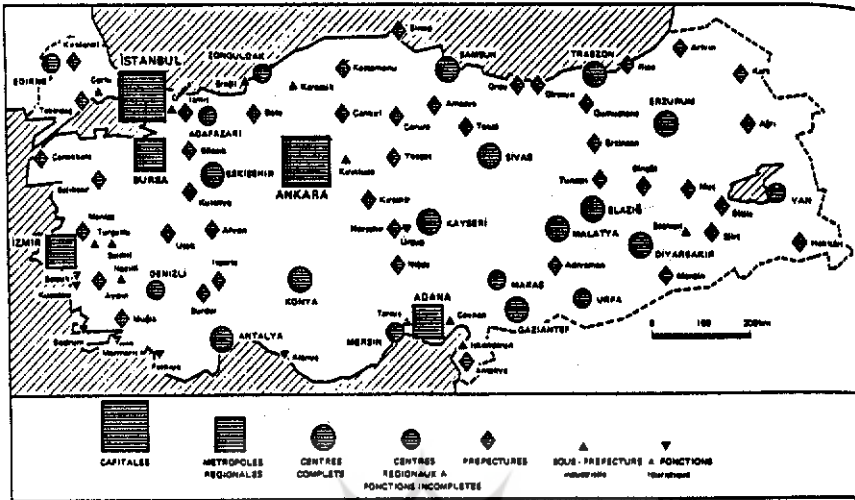
### III - سطوح مختلف طبقه بندی شهری

با یک جمع بندی از معیارهایی که در سطور بالا ذکر کردیم، پنج سطح، یا پنج

92- Kirikkale 93- Karabük. 94- Batman. 95- Taurus 96- Nazilli 97- Akhisar

98- Turgutlu 99- Tarsus 100- Osmaniya 101- Exkişehir 102- Tunçdilek

103- Muhacir 104- Zonguldak. 105- Gaziantep



نقشه شماره ۶: شبکه شهری ترکیه

«طبقه» در «هرم شهری» تشخیص داده می شود که آنها را از بالا به پایین بررسی می کنیم.

### III - ۱. دویایتخت

همانند برخی کشورها، ترکیه نیز کشوری با دویایتخت است. دوشهر بسیار پرجمعیت، مشترکاً وظیفه پایتخت ملی را بر عهده دارند. این مکمل بودن عملکردی که ما نمونه های دیگری از آن را نیز فی المثل در ایتالیا، در دوشهر رم و میلان، در مراکش، در دوشهر رباط و کازابلانکا و یا در اکوادور، در دوشهر کیتو<sup>۱۰۶</sup> و گویاکیل<sup>۱۰۷</sup> می بینیم، ناشی از تاریخ معاصر کشور ترکیه است.

در واقع، نهضت ملی گرایانه مصطفی کمال بود که پس از شکست امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۹ انتقال پایتخت را از استانبول به آنکارا موجب شد؛ انتقالی که دلایل آن هم استراتژیک بود و هم سمبلیک (آق چوره<sup>۱۰۸</sup>، ۱۹۶۰، صفحات ۵۷ تا ۶۲) از لحاظ استراتژیک، نهضت تجدید حیات ملی و فتح دوباره، نمی توانست جز از قسمت نیمه



تصویر شماره ۲: آنکارا، پایتخت جمهوری، آرامگاه آتاتورک

شمالی آناتولی که تنها منطقه امپراتوری بود که قدرت ترکیه در آن جا کامل و تمام بود، شروع شود. آنکارا بدین لحاظ بر ارزروم و سیواس که اولین کنگره های نهضت در آنها برگزار شد، ارجحیت داشت، چه فاصله کمتری با جبهه مقاومت در مقابل حمله یونان، در آناتولی غربی، داشت و نیز به استانبول، که حکومت سلطان تا سال ۱۹۲۲ در آن جا همچنان برقرار بود نزدیکتر بود. از لحاظ سمبلیکی، آنکارا پس از آن که به عنوان محل مجمع بزرگ ملی در سال ۱۹۲۰ انتخاب شد، با آن که پس از صلح، برگشت به پایتخت قدیمی، امکان پذیر بود، اما برای نشان دادن مرکزیت بر آناتولی ترکیه جدید، آنکارا همچنان به عنوان پایتخت جمهوری جوان ترکیه باقی ماند.

اما پایتخت قدیمی، پیشرفت خود را در همه زمینه ها حفظ کرده است، به طوری که در سطح ملی یک تقسیم وظایف حقیقی بین این دو شهر وجود دارد (رک: مقاله آق چوره، ۱۹۶۰، صفحات ۸۹ تا ۱۱۹، برای آگاهی از جدول وظایف در زمینه کیفی، وگرنه در

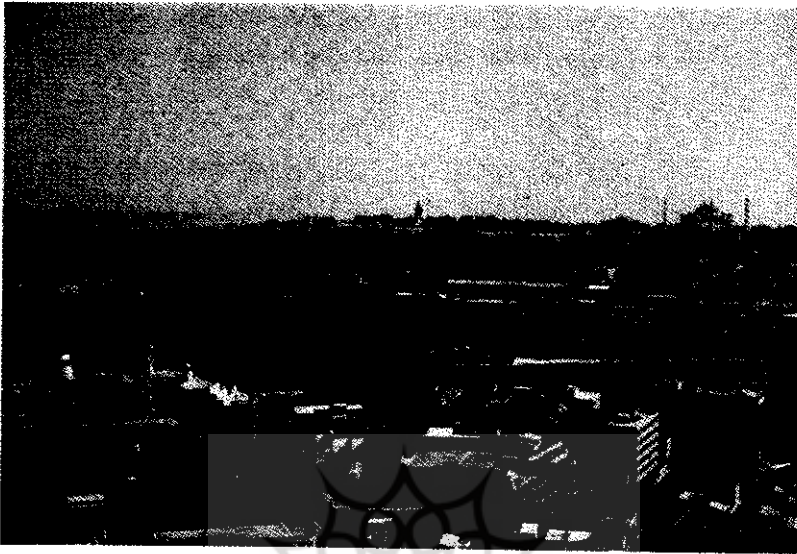
محدوده کمی که بر عهده آنکارا قرار دارد).

کلیتۀ وظایف پایتخت سیاسی و ادارات مرکزی در بخش جنوبی محور میانی شهر، شامل وزارتخانه‌ها و مجلس بزرگ ملی و کاخ ریاست جمهوری واقع بر تپۀ چنگای<sup>۱۱۹</sup> قرار دارند. در مقابل آنکارا، استانبول به شکل استانی مثل استانهای دیگر، با مجموعه‌ای کامل از ادارات ناحیه‌ای و نه بیشتر از آن، خودنمایی می‌کند.

با توجه به این که، جمهوری ترکیه در نخستین تلاشهایش برای توسعه اقتصادی، جایگاهی مهم برای بخش عمومی در نظر گرفته بود. به طور طبیعی، وظیفۀ مدیریت اقتصادی دولت که مستقیماً ناشی از نقش سیاسی آنکارا بود، منحصر به این شهر شد. بنابراین، مراکز اصلی بانکهای ملی و دیگر سازمانهای مالی عمومی، شرکتهای ملی راه آهن و حمل و نقل هوایی و مجتمعهای صنعتی مربوط به بخش عمومی در آنکارا قرار دارند. در مقابل، اکثریت عظیم صاحبان سرمایه‌های خصوصی ترجیح دادند در استانبول باقی بمانند؛ شهری که آنها توانسته بودند از پیش منافعی را در آنجا توسعه دهند؛ مضافاً این که چارچوب حیاتی که شهر سلاطین برای آنها فراهم کرده بود، به نسبت پایتخت جدید در حال ساختمان در میانه استپها، خیلی جالبتر و گیراتر می‌نمود. به این ترتیب، تقریباً تمامی مراکز اصلی شرکتهای خصوصی و هم‌چنین مرکز اصلی انجمنی که از سال ۱۹۷۱، پویاترین و پیشرفته‌ترین این شرکتهای را شامل می‌شود «انجمن صنعتگران و ناظران ترکیه»<sup>۱۱۰</sup> - در استانبول قرار دارند.

از لحاظ فرهنگی نیز، تقسیمی تقریباً شبیه به همین تقسیم وجود دارد. آنکارا، شهری که آتاتورک می‌خواست از آن «الگوی همیشگی برای تمام کشور» بسازد، اکنون مرکز رسانه‌های گروهی (رادیو، تلویزیون و بخش زیادی از مطبوعات) و نمایشهای نوع غربی (تئاتر، اوپرا، باله) است، در حالی که استانبول هنوز هم جایگاه هنرهای سنتی و بخصوص محل آن چیزی است که می‌توان آن را «بخش خصوصی فرهنگی» نامید، شهری با مؤسسات انتشاراتی و تماشاخانه‌های فراوان. و اما بیشتر هنرمندان و نویسندگان به محض این که از بسفر دور می‌شوند، خود را در غربت احساس می‌کنند. ضمناً ملاحظه کردیم که





تصویر شماره ۳: آنکارا، پایتخت سلاطین، منظره کلیسای سن صوفی [مسجد اباصوفیه] و کاخ توپکاپی از جانب گالاتا.

دو شهر استانبول و آنکارا، گرچه، شرایط انحصاری آنها، به واسطه توسعه دانشگاهها در ایالات، مورد تهدید قرار گرفته است، اما، مؤسسات اصلی آموزش عالی را مشترکاً بین خود تقسیم کرده‌اند.

در مقابل، برتری استانبول از لحاظ فعالیت‌های تجاری با دارا بودن ۲۵٪ جمعیت فعال در بخش تجارت، در سال ۱۹۸۰، در مقابل کمتر از ۸٪ در آنکارا، خرد کننده است. با آن که هر دو شهر در بخش خرده‌فروشی به لحاظ تمرکز طبقات اجتماعی صاحب درآمدهای بسیار بالا، بسیار فعال و در سطح بالایی هستند، ولی در بخش کلی فروشی، آنکارا بیشتر دارای نقش ناحیه‌ای است تا ملی، و استانبول به سبب موقعیتش و این که دور از مرکز قلمرو ملی واقع شده، ولی همچنان به عنوان مرکز مهم توزیع دوباره کالاهای وارداتی به حساب می‌آید.

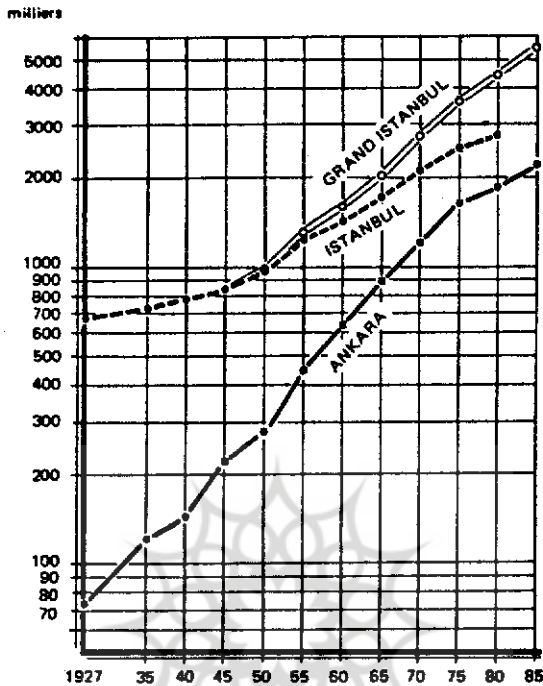
در بخش فعالیت‌های تولید صنعتی، استانبول برتری خود را حفظ و حتی تقویت نیز کرده است، برتری که به علت بندر بودن آن و نیز کثرت مؤسسات صنعتی وابسته به بخش



خصوصی، به دست آمده است. آنکارا، که به واسطه نبود مواد اولیه به دست آمده از ناحیه و نیز به واسطه شرایط نامطلوب حمل و نقل به نسبت شهرهای بندری، ناتوان است، به طور اختیاری توسعه تأسیسات صنعتی را محدود کرده، تا آرامش (از جهات گوناگون) پایتخت حفظ شود، و نیز آلودگی هوا که هم اکنون نیز در این شهر، که در پستی قرار دارد، قابل ملاحظه است، بیشتر نشود. در همین راستا، بخش زیادی از این مؤسسات به هشتاد کیلومتری شرق آنکارا، به قیریق قلعه منتقل شده‌اند. به این ترتیب پایتخت، سومین مرکز صنعتی کشور محسوب می‌شود. ایالت آنکارا (که شامل کریکال و مراکز درجه دوم است). در سال ۱۹۸۰، تنها ۶/۵٪ نیروی کار صنعتی ترکیه را در بر می‌گرفته، در صورتی که این نسبت در استانبول ۲۵٪ و در ازمیر ۸٪ بوده است.

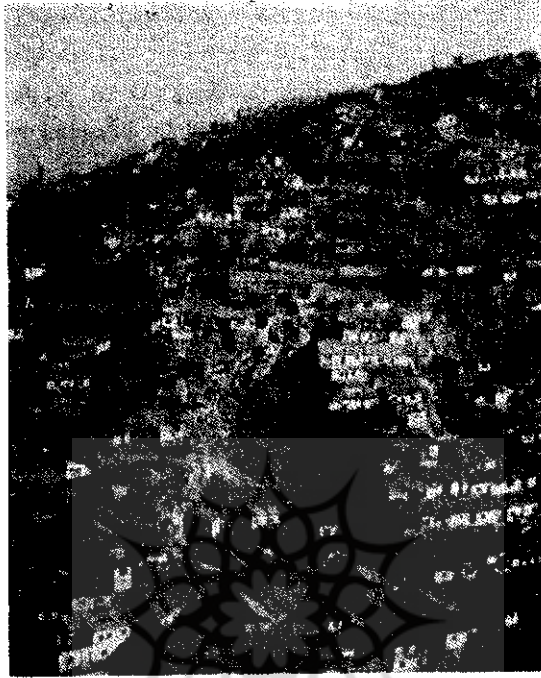
چگونه بین این دو شهر، تعادل برقرار شده است؟ در ابتدای جمهوری، رابطه نیروها در آنکارا مساعد بود. پایتخت جدید، جایی بود که ترکیه جدید، در آن پا گرفته بود. طرح شهرساز اطریشی به نام یانسن<sup>۱۱۱</sup> از قصبه تاجر نشین واقع در پای قلعه، شهر مدرنی با چشم اندازهای مجزا و مناطق شغلی که بوضوح مشخص شده بودند، ساخت؛ هزاران درخت در این «پایتخت واقع در استپ» که پ. دگر دی<sup>۱۱۲</sup> (۱۹۶۳) آن را به علت محیط نامساعد و رشد متکی بر برتری نقش سیاسی اش با تهران مقایسه کرده است، غرس شد. بخش خیلی پایینتر، آنکارا آهنگ رشدی بسیار بالا تر از آهنگ رشد استانبول داشته، به طوری که جمعیت آن در فاصله سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰، هر ده ساله، مضاعف شده است (نمودار شماره ۱). به این ترتیب به پایتخت که قدرت جذب تمامی ساکنان جدید را نداشته، تنها شهر ترکیه است که به طور خطرناکی با مساله «آلونک نشینی»<sup>۱۱۳</sup> دست به گریبان است؛ محله‌های فاقد امکانات «بنا شده در شب» (معنای لغوی واژه ترکی) در زمینهای خارج از محدوده (رک به تحقیق اخیر هوفلد در مورد این مسأله در مقیاس ترکیه، ۱۹۸۴).

اما استانبول، فعالیت‌های خود را به موازات این امر گسترش داده است و رشد جمعیتی، آن که تا سال ۱۹۴۵ خیلی کند بود، از آن زمان به طور محسوس شتاب گرفته است. این موضوع را می‌توان از گسترش فضایی بی اندازه، در دو کرانه اروپایی و آسیایی این شهر که خیلی فراتر از محدوده شهری آن است، مشاهده کرد. حتی برای ارزیابی رشد حقیقی



نمودار شماره (۱): تحوّل جمعیت در آنکارا و استانبول (۱۹۲۷-۱۹۸۵)

جمعیت این شهر، بهتر است که «استانبول بزرگ» در نظر گرفته شود. رشد جمعیتی استانبول تا سال ۱۹۷۵ پایینتر از آنکارا بود، اما در فاصله زمانی سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۸۵ و هنگامی که پایتخت رسمی همچنان توسعه می یافت، رشد جمعیتی استانبول تقریباً بدون تغییر ماند. موارد متعددی را می توان برای توجیه پیشرفت «شهر جهانی» (بنابر اصطلاح استویگ ۱۱۴ در سال ۱۹۶۴) در کرانه های بسفر، برشمرد. لیبرالیسم جدید سالهای ۱۹۸۰ در ترکیه به حال بخش خصوصی در این شهر مساعد بود. در حالی که آنکارا از اشباع فضای شهری خود دچار مشکل بود و برای توسعه حوزه اش از نظر جذب جمعیت، با مشکل مواجه بود، استانبول همچنان از جریانهای مهاجرتی بسیار قدیمی بهره می برد. نقشه های نمایانگر مهاجرت در فاصله زمانهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ به این دو شهر (نقشه های شماره ۷)، به نحو



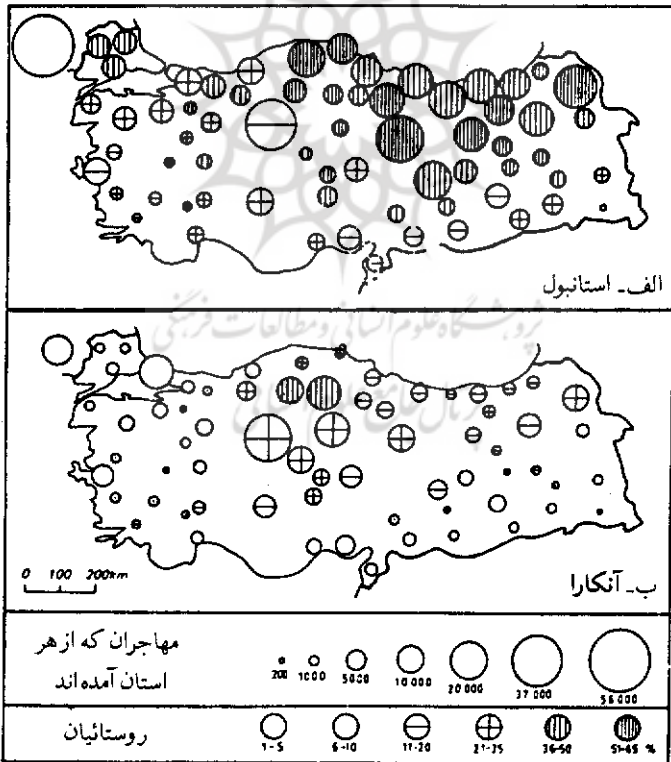
تصویر شماره ۴: «آلونکها» که تمام شیب آلتین داغ [تپه زرین] در آنکارا را اشغال کرده است.

شگفت‌انگیزی به نقشه‌های مربوط به زادگاه ساکنانی شبیه‌اند که در خارج از هر یک از این دو ایالت متولد شده‌اند (بازن، ۱۹۸۶، صفحه ۴۰)! ایالاتی که نتایج مهاجرتها را در طول یک دوره طولانیتر، در خود جمع دارند. جریانهای مهاجرتی به استانبول از همه جای کشور صورت می‌گیرد، اما سهم ناحیه جنوب غربی حوزه اثره در این امر، کمتر است. در کنار مبادلات بین شهری با آنکارا، از میریا جامعه کارگران ترک مهاجر در اروپای غربی، سهم مهاجرت روستایی قابل ملاحظه است: این مهاجرت بخصوص از جانب حوزه‌های سنتی جذب جمعیت استانبول، ناحیه پون مرکزی و شرقی و آناتولی شمال شرقی (ایالت سیواس که مورد مطالعه استروک ۱۱۵ در سال ۱۹۸۴ قرار گرفته، نمونه خوبی از این موجهای مهاجرتی ارائه می‌دهد) صورت می‌گیرد. و اما درباره جذب جمعیت در آنکارا، باید گفت

که در این مورد، دو نوع جاذبه در کنار هم وجود دارند: آمدن کارمندان، کارگران و غیره از کلیه مراکز شهری کشور، در حد متوسط، و موج مردمی انبوهتر، شامل نسبت بسیار زیادی از روستاییان که از مناطق واقع در محدوده مرکزی- شرقی آناتولی به آنکارا می آیند. پنج ایالتی که بلافاصله جانب شرق پایتخت را احاطه کرده اند، تنها ایالتی هستند که تعداد بیشتری مهاجر به آنکارا گسیل کرده اند تا به استانبول و مثلث بولو- قونیه- سیواس نزدیک به نیمی (۴/۶٪) از کل مهاجرین را شامل می شود. از لحاظ جذب جغرافیایی، آنکارا نحوه عمل یک شهر بزرگ ناحیه ای را داراست.

## II - ۲. شهرهای بزرگ ناحیه ای

از میان شهرهایی که از استانبول و آنکارا تبعیت کرده اند، سه شهر، نه فقط به لحاظ



نقشه های شماره ۷: مهاجرت به آنکارا و استانبول بین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۸۵

تعداد جمعیتشان که از مرز نیم میلیون نفر می‌گذرد، بلکه همچنین به سبب غنای تجهیزات و وسعت رونق ناحیه ای شان، از شهرهای دیگر متمایزند. ملاحظه می‌کنیم که این سه شهر، همچون دو پایتخت در نیمه پیشرفته و صنعتی غرب کشور واقع شده‌اند (بازن، ۱۹۸۶، صفحات ۳۱ تا ۳۴). نکته مشترک در آنها این است که هر سه شهر همراه با استانبول، از قدیمیترین کانونهای صنعتی کشور محسوب می‌شوند. هریک از این شهرها، بر سه ناحیه پیرامونی غربی و جنوبی کشور پرتومی افکند: بورسا بر ناحیه مرمره و یا به عبارت دقیقتر بر نیمه جنوبی این ناحیه، نیمه شمالی متوجه استانبول است؛ از میر بر ناحیه اژه و آدانا بر بخش مدیترانه ای ترکیه.

از میر هم به واسطه تعداد جمعیت خود که نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر- یعنی مجموع جمعیت بورسا و آدانا- را شامل می‌شود و هم به لحاظ نفوذ زیادش بر مثلثی وسیع که قاعده آن ساحل اژه است، اهمیتی بیش از دو شهر دیگر دارد. (رک؛ مقاله، سوزر).

آدانا (تحقیق روتر ۱۹۷۱) برای نفع هر چه بیشتر، در وهله اول توسعه کشاورزی و سپس صنعتی دشت پنبه خیز چوقور و ورا مد نظر قرار داده است. گرچه تسلط آدانا بر محدوده کوهستانی این دشت، یا به عبارتی بر مجموعه سیلیسی عهد باستان غیر قابل تردید است، تأثیر و نفوذ آن بر بخش غربی ناحیه مدیترانه ای، یعنی پامفیلی روزگار قدیم، به علت امتداد بزرگ شرقی- غربی ساحلی که جاده ای دشوار از آن می‌گذرد، خیلی آشکار نیست.

مورد بورسا به علت تحقیقات استویگ (تحقیق سال ۱۹۷۰ و بخصوص سال ۱۹۷۴ درباره تأثیر ناحیه ای، و تحقیق ۱۹۸۰ در خصوص بررسی تفصیلی محله های شهر) که بر نقش صنعت در تحول ساختار شهری این نقطه متمرکز بوده، بخوبی شناخته شده است. بورسانیز، مانند آدانا، در حقیقت یک شهر بزرگ صنعتی است که سیر تحول آن از صنعت ابریشم کشی به صنعت پشم بافی و سپس به صنایع سبک متنوع، بوده است. در این حال بایستی صنعت مهم توریسم را نیز به صنایع آدانا اضافه کرد؛ صنعتی که به علت وجود مؤسسات آب گرم معدنی که دوستاناران استفاده از آنها از سراسر ترکیه و نیز از خاورمیانه عربی به خود جذب می‌کند و نیز نخستین مرکز توریسم زمستانی و تابستانی، واقع در نزدیکی اولوداغ<sup>۱۱۶</sup>، به وجود آمده است. اما تأثیر ناحیه ای بورسا به دشتهای غنی کشاورزی آن که

در کرانه جنوبی مرمره واقع شده است، محدود می شود؛ و جاذبه تجاری آن در جنوب شرقی ایالت بالکسیر، تحت الشعاع جاذبه تجاری از میر است.

### ۱۱۱- ۳. مراکز ناحیه ای

بر خلاف دو نوع مرکز قبلی، این سطح طبقه بندی شهری در تمام قلمرو ترکیه وجود دارد. مراکز ناحیه ای مزبور که عموماً بر سه یا چهار ایالت، حاکمیت دارند، مجموعه ای کم و بیش کامل از «ادارات ناحیه ای»، یک مرکز تجاری قوی که به نسبت های مختلف با بازار سنتی و خیابانهای تجاری جدید مربوط است و نیز خدمات سطح بالا را دارا می باشند و تعداد زیادی از آنها نیز دارای دانشگاه اند.

تعداد مراکز ناحیه ای، در غرب، کمتر از شرق کشور است، به این دلیل که عملکردهای ناحیه ای در غرب کشور از سوی پنج شهر بزرگی که نام بردیم نیز تأمین می شود. مراکز ناحیه ای، در کنار این پنج شهر، سراسر کشور را مانند یک شبکه فضایی تقریباً یکنواخت، که با فاصله حدود سیصد کیلومتر، یا به عبارتی، کمتر از یک روز با اتوبوس، از یکدیگر قرار گرفته اند، می پوشانند.

به این ترتیب، هریک از نواحی طبیعی کشور، بین حوزه های نفوذی چندین مرکز تقسیم می شود. تمام این مراکز مجهز نیستند و ما، تعدادی از «مراکز ناحیه ای دارای عملکرد ناقص» را که غالباً در نزدیکی یک شهر دارای رونق ویژه قومی قرار گرفته اند، متمایز کرده ایم. از همین روست که ادرنه<sup>۱۱۷</sup> واقع در ترانس<sup>۱۱۸</sup>، به عنوان مبداء ورودی جاده ای و نیز راه آهن ترکیه، برای اعتبار بخشیدن به نقش خود، به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی استانبول، با مشکل مواجه است. ناحیه اژه نیز به علت قرار گرفتن در حوزه تقریباً انحصاری از میر از همین مشکل رنج می برد. تنها، دنیزلی<sup>۱۱۹</sup> که در جایی بالاتر از شهرهای صنعتی دره های حوزه اژه و بر سر چهارراهی از چرخه های متعدد بازارهای داخل کشور، قرار گرفته، توانسته است، در زمینه تجارت، از نوعی استقلال برخوردار شود.

در حوزه مدیترانه، مرسین در مسافتی بسیار نزدیک به آدانا، بیش از آن که یک منزلگاه متروپل جنوب مدیترانه باشد، به علت این که بندری صنعتی است، شهری بسیار تخصصی

است. در مقابل آنتالیا، با استفاده از موقعیتش که در مسافت دوری در غرب واقع شده، توانسته است بخوبی نفوذ خود را بر تمامی منطقه توروس غربی بگستراند. در استپ آناتولی مرکزی، چهار شهر، در اطراف آنکارا یک منحنی تشکیل می دهند. اسکی شهر<sup>۱۲۰</sup> (نویج دیلک ۱۹۵۷) شهر صنعتی جدیدی است که فضای خالی را در شبکه مراکز پر کرده است؛ در حالی که قونیه، قیصری (ریتر، ۱۹۷۲) و سیواس، سه شهر تاریخی هستند که به واسطه رفت و آمد و صنعتی شدن، که در دو شهر نخست شدت خاصی دارد، جان و توان دوباره پیدا کرده اند.

نواحی عقب مانده شمال و شرق کشور که بافت شهری ندارند، نیز مراکز ناحیه ای خود را دارند. صامسون<sup>۱۲۱</sup> و طرابزون، از زمانهای دور بخشهای مرکزی و شرقی ناحیه پونتین را تحت تسلط خود داشته اند. حتی شهرهایی که جمعیتشان در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ بیشترین افزایش را داشته است (به ترتیب ۶/۸۶٪ افزایش و ۷/۲۸٪ افزایش در سال) از این گروهند. کمی به سمت غرب، شهر معدنی و صنعتی رونگولداک واقع است که سعی کرده، فضای نسبتاً خالی موجود در شبکه مراکز را با توسعه نفوذ خود بر ناحیه پونتین غربی، پر کند. با این حال، برخی از ادارات ناحیه ای در قسطنونو<sup>۱۲۲</sup>، شهر کوچکتری که در قلب منطقه کم جمعیت سلسله جبال پونتین واقع شده، قرار دارند، شهری که از طریق جاده بخوبی تدارک می شود و وارث موقعیت مرکز ولایت بودن خود در دوره عثمانی است.

در آناتولی شرقی، ارزروم، تسلطی غیرقابل تردید بر بخش شمالی دارد (بازن، ۱۹۶۹، صفحات ۲۹۱ تا ۲۹۷)، در حالی که ملطیه و الازیغ<sup>۱۲۳</sup> در فاصله چند صد کیلومتری، نفوذ خود را گاه در حالت رقابت و گاه نیز در حالت مکمل بر حوزه میانی فرات، تقسیم می کنند. برای بخش منتهالیه شرقی توروس مرکزی مشابه وجود ندارد، اما وان<sup>۱۲۴</sup> شهری که سابقاً بسیار کوچک بود، با استفاده از امتداد راه آهنی که به طرف ایران کشیده شده، فعالیتهای خود را در سطح ناحیه ای مضاعف کرده و با این کار، به نوعی نقش قدیمی خود به عنوان مرکز «ولایت» در دوره عثمانی را باز یافته است. به همین دلیل است که رشد جمعیت در این شهر به حد بالایی رسیده است: ۳۱/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۵ به ۱۲۱/۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۵، یعنی نزدیک به چهار برابر.

ناحیه آناتولی جنوب- شرقی، دو مرکز بسیار مشخص دارد: دیار بکر در بخش مرکزی- شمالی برای این ناحیه به مفهوم دقیق خود و غازی عینتاب در غرب برای منطقه واسط بین حوزه مدیترانه‌ای و حوزه داخلی نیمه خشک: بین این دو اورفه ۱۲۵، یا ادسه ۱۲۶ سابق واقع است که سهم عمده‌ای از (طرح گونی دوغو ۱۲۷ آناتولی) برده است؛ طرحی که برای توسعه ناحیه جنوب شرقی، با استفاده از سدهای بزرگی که بر روی فرات بنا شده تهیه شده است. اورفه نرخ رشدی برابر با ۶/۵٪، در سال در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵، داشته و به نظر می‌رسد مرکز ناحیه‌ای برای مناطق جدید آبیاری شده در فلا تهای جنوب شرقی شود؛ به این علت که دیار بکر، همچون غازی عینتاب به دلیل قرار گرفتن در محلی بسیار دور، نمی‌تواند مؤثراً نیازهای منطقه را برآورده سازند.

### III - ۴. استانداریها

دیگر مراکز ایالتها که تعدادشان به چهل می‌رسد، شهرهای متوسطی هستند که جمعیت هریک بین ۱۸/۰۰۰ (آرتوین ۱۲۸ و بیله جیک ۱۲۹) و بیش از صد هزار نفر- ۱۵۲/۰۰۰ نفر در بالکسیر و حتی ۲۳۶/۹۹۹ نفر در ایزمیت در نوسان است. شهر اخیر، موردی خاص است که جمعیت خود را بیشتر مدیون نقش خود به عنوان بندر و شهر صنعتی ضمیمه استانبول بزرگ است، تا مرکز مدیریت کوچکترین ایالتهای ترکیه. شهرهایی که در این طبقه قرار می‌گیرند، از نظر جغرافیایی خیلی کمتر از شهرهای طبقه بالا تر و یا پایینتر، نظر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در صورتی که این شهرها، پایه شبکه اداری و محلّ مراجعه اصلی تمام مردم را تشکیل می‌دهند. توجه می‌کنیم به تحلیل مفصل و فیفیر ۱۳ (سال ۱۹۵۷) در مورد نیغده که در چارچوب یک تحقیق درباره مسیری که از توروس به جانب سیلیسی می‌رود، گنجانیده شده است، شهر مزبور با ۱۵/۰۰۰ نفر جمعیت و ۳۱٪ جمعیت فعال در بخش کشاورزی، به یک نسل تبدیل شده و از این رومی‌تواند نمایانگر تحول مشترک بیشتر این مراکز باشد. نیغده، ارتباط خود را با روستاهای اطراف از طریق یک شبکه متراکم از خطوط اتوبوس و مینی بوس مستحکم کرده است، به طوری که روستاییان و ساکنان فرمانداریهای تابعه می‌توانند به صورت خیلی منظم برای خرید و یا





تصویر شماره ۵: محور مرکزی یک شهر متوسط: بولو.

انجام کارهای اداری به آن جا رفت و آمد کنند. شهر بیشتر در اطراف شهر قدیمی، در مقابل قلعه قدیمی بر فراز تپه ای طویل گسترش یافته و در سال ۱۹۸۵، دارای ۴۸/۰۰۰ نفر جمعیت بوده است. اخیراً نیز یک آموزشکده فنی و مکانیک در این شهر دایر شده است. برخی از این شهرها، ابعادی آشکارا برتر پیدا کرده اند. روتر (تحقیق سال ۱۹۷۷، که با نقشه A. IX. 10.3 از اطلس جغرافیایی توپینگر در مورد خاور نزدیک ۱۳۱ تکمیل شده است) نمونه ای جالب را با نشان دادن خیلی کامل مورد انطاکیه، ارائه داده است. توجه وی در تحقیقش، به نفوذ شهر که محدوده آن از ایالت کوچک مرزی ختای تجاوز نمی کند و حتی در امتداد ساحل تحت الشعاع نفوذ بندر صنعتی اسکندرون نیز واقع شده است، کمتر است. اما در مقابل او به بررسی ساختار شهری انطاکیه پرداخته که هنوز کاملاً سیمای سنتی «شهر شرقی» را که چهل سال پیشتر از او مورد مطالعه ژئی، و ولرز ۱۳۲ (۱۹۷۴) واقع شده، از دست نداده است. نکته جالب دیگری که از مطالعه این تحقیق برمی آید، این است

که حتی شهرهای متوسط از این قبیل نیز رشدی نسبتاً سریع (جمعیت انطاکیه از ۳۰۰۰۰ نفر در ۱۹۳۰ به ۶۶۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۰ و به ۱۰۹۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۵ رسیده است) داشته‌اند، به طوری که آنها نیز همچون شهرهای بزرگ با مسأله «آلونک نشینی» دست به گریبان‌اند.

### III-۵. شهرهای کوچک.

در چند ساله اخیر، توجه محققان به طور گسترده‌ای به شهرهای کوچک جلب شده است. توجه به این امر دلایل زیادی دارد: از یک سو، تعدد و توسعه آنهاست که یکی از نکات مهم دوران اخیر ترکیه است و از سوی دیگر، ابعاد آنهاست که برای مطالعات بیشتر با گرایش مردم‌شناسی مناسب است؛ مطالعاتی از قبیل تحقیق ف. منصور (۱۹۷۲) در مورد شهر بودروم<sup>۱۳۳</sup>، بندیکت<sup>۱۳۴</sup> (۱۹۷۴، الف و ب) در مورد شهر اولا/توتونلی<sup>۱۳۵</sup> و ماگنارلا<sup>۱۳۶</sup> (۱۹۷۴) در خصوص شهر سوسورلوق<sup>۱۳۷</sup>، که بررسی حیات اجتماعی جایی بس مهم را در آنها به خود اختصاص داده است. تحقیق کلی در مورد این شهرها که توسط هوفلد (سال ۱۹۷۷) انجام گرفته، ویژگیهای عمده این شهرها را مشخص می‌کند؛ بیشتر پانصد و شصت فرمانداری موجود در ترکیه در این طبقه جای می‌گیرند.

نخست این که، توسعه و پیشرفت این شهرها در دوران اخیر صورت گرفته و تعداد شهرهایی که قدمت آنها به دوران کهن بازمی‌گردد، در میان آنها اندک است. از این جمله‌اند شهرهای دارای نام قدیمی مثل دو شهر عرقلی (هراکله<sup>۱۳۸</sup>)، برگاما (پرگام<sup>۱۳۹</sup>)، رک تحقیق ۱۹۸۵ هوفلد، صفحات ۹۹ تا ۱۱۴)، سیلینکه. (سیلوسی)<sup>۱۴۰</sup> یا نیکسار (نشوگسره)<sup>۱۴۱</sup> و یا شهرهایی که اسامی شان تغییر یافته است، مثل بودروم/هالی کارناس<sup>۱۴۲</sup> و موت (کلاودیوپولیس)<sup>۱۴۳</sup>؛ و نیز شهرهایی که قدمشان به قرون وسطی می‌رسد مثل باپسورت<sup>۱۴۴</sup> یا بی شهر<sup>۱۴۵</sup> خیلی کمتراند. قدمت بیشتر این شهرها به قرن گذشته برمی‌گردد، که این خود گویای تلاشی بوده که برای تقویت ساختارهای اداری در دوران تنظیمات صورت گرفته است و یا این که تعدادی از آنها شهرکهایی هستند که در

133- Bodrum 134- P. Benedict 135- Ula/tülüneli. 136- P. Magnarella. 137- Susurluk

138- Ereğli (Héraclée) 139- Bergama (Pergame) 140- Silifke (séleucie) 141- Niksar

(Néo caesarea) 142- Halicarnasse 143 - Mut/claudiopolis 144- Bayburt 145- Beysehir.

همین دوران اخیر به فرمانداری تبدیل شده و به صورت شهر در آمده‌اند. هوفلد به کمک یک نقشه کلی، توالی تغییرات شهرها را نیز نشان داده است. این جابجاییها تا حد زیادی به تغییرات عملکرد این محلها مربوط می‌شده‌اند. در ابتدا این محلها، عبارت از نقاط بازرسی نظامی بودند که برای تقویت یک دژ نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفتند و یا از سوی یک محل کوهستانی حفاظت می‌شدند. آنها بعداً به مراکز تجاری و اداری تبدیل شدند؛ مراکزی که بشدت مجذوب شهرهای واقع در دشت بودند و یا به عبارت صحیحتر، تحت تأثیر محورهای رفت و آمد جاده‌ای و یا بندرت راه آهن، قرار داشتند.

این جاذبه همچنین بر ساختار شهرهای مزبور تأثیر گذاشته است. مرکز کار در این شهرها که خیلی ساده است از تعداد کمی ساختمانهای اداری و مغازه‌هایی تشکیل شده که در امتداد یک یا چند محور بنا شده‌اند و عموماً در وسط فضایی باز و نسبتاً وسیع را برای



تصویر شماره ۶: شهرهایی که بزحمت جنبه روستایی خود را از دست داده‌اند.

میدان مرکزی قرابینار ۱۴۶ (قونیه)

برپایی بازار هفتگی ایجاد کرده‌اند. در شهرهایی که دارای سابقه شهری قدیمی نیستند، این مرکز گاه بریک مرکز روستایی ابتدایی منطبق شده و گاه نیز با فاصله‌ای از آن در امتداد جاده و یا در نزدیکی ایستگاه راه‌آهن بنا شده است، به طوری که موجد تنوعاتی در نقشه‌ها شده‌اند. هوفلد جدولی در این خصوص ارائه داده است.

تنوع این مراکز سطح پایین تنها به سبب سازمان فضایی آنها نیست، بلکه این تنوع به وجود احتمالی مشاغل خاص که نتیجه‌اش تراکم جمعیت در این شهرها و ایجاد اختلاف و ناهماهنگی بین بار جمعیتی و سطح طبقه‌بندی این شهرهاست، نیز مربوط می‌شود. این وضع در مورد شهرهای دارای پادگان نظامی مثل ساری قمیش<sup>۱۴۷</sup> در شمال شرقی یا گیلیولو (گالی پولی<sup>۱۴۸</sup>) که مشرف بر داردانل است و بخصوص شهرهای صنعتی که می‌توانند همچنان که در سطور بالا تر دیدیم، ابعاد گسترده‌ای پیدا کنند، صدق می‌کند. برخی از این شهرهای صنعتی، شهرهای سنتی کوچکی بوده‌اند که مثل سیدی شهر<sup>۱۴۹</sup> که شهر آلومینیوم شده است، به واسطه ایجاد یک یا دو مؤسسه مهم در آن توسعه یافته‌اند. برخی دیگر، مثل قرابوک<sup>۱۵۰</sup>، نخستین مرکز ذوب آهن ترکیه، ابتدا به ساکن ایجاد شده‌اند. این شهر در فاصله بین دو جنگ، به منظور تهیه آهن با استفاده از زغال سنگ زونگولداگ، از سنگ آهن حمل شده از طریق دریا، ایجاد شد. محلی که انتخاب شد، در پایینترین حد ممکن دره پنیس ایرماق<sup>۱۵۱</sup> قرار دارد؛ جایی در محل برخورد دورود که محلی نسبتاً کافی را برای ایجاد کارخانه گک سازی و استقرار کوره‌های بلند، کارخانه فولادسازی و نورد، داراست. این کارخانه هنوز هم با سنگ آهنی که از طریق راه آهن از دیوریقی<sup>۱۵۲</sup> به محل حمل می‌شود، کار می‌کند (تحقیق تمرتکین، ۱۹۵۵، صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۲). شهری که به این طریق، از مجموعه اولین شهرکهای کارگری توسعه پیدا کرده در سال ۱۹۸۵، دارای ۹۵۰۰۰ نفر سکنه بوده است؛ با این حال، عده زیادی از کارکنان کارخانه ترجیح می‌دهند که حتی با هزینه‌ای که رفت و آمد روزانه در بر دارد، در شهر کوچک تاریخی نزدیک کارخانه به نام ساfran بولو در فاصله بیست کیلومتری، که شهری آرام و دلپذیر است، سکنی گزینند. در میان شهرهای کوچک سنتی، این مسأله واقعه غیرمترقبه‌ای است.

در شهرهای گوناگون ساحل اژه و مدیترانه، از قوش آداسی<sup>۱۵۳</sup> گرفته تا آلانیا<sup>۱۵۴</sup>، مثل

147- Sarikamis 148- Gelibolu (Gallipoli). 149- Seydisehir 150- Karabük

151- Yenice Irmak 152- Divriği. 153- Kuşadası 154- Alanya

شهر اورگوپ<sup>۱۵۵</sup> در قلب کاپادوس<sup>۱۵۶</sup>، صنعت توریسم نیز به نقش محل مرکزی افزوده می شود؛ اما در این جا، توریسم در مقیاسی متفاوت عمل می کند: در بودروم یا فتحیه<sup>۱۵۷</sup>، مناطقی که بیشتر ترکها، تعطیلاتشان را در آن جا می گذرانند. به نوعی عملکرد توریستی «مسافرت های کوتاه» این نقاط را در طبقه بندی شهری، در مرتبه فضا های تفریحی مراکز بزرگ شهری قرار می دهد.

### نتیجه

#### شبکه شهری و ناهماهنگی ناحیه ای

آیا شبکه شهری ترکیه، آن چنان که دیدیم و کاهش ناهماهنگی های ناحیه ای مشارکت داشته یا فقط آنها را ظاهر کرده است؟ سرزمین ترکیه در واقع تحت تأثیر دو سلسله نابرابری عمیق است (بازن، ۱۹۸۶، صفحات ۲۱ تا ۳۶) تضاد از نوع محیط زیستی، اما بدون نتایج اقتصادی بین نواحی مرطوب مجاور دریا با کشاورزی بسیار متنوع و تجاری و آناتولی داخلی با آب و هوای سخت؛ و «اختلاف درجه غربی- شرقی» ( West - ost Gefalle بنا بر اصطلاح هوتن روث، ۱۹۸۲، صفحه ۴۱۶) که دو طرف خط زونگولداگ- غازی عینتاب را در برابر هم قرار می دهد: در یک طرف ترکیه توسعه یافته، صنعتی و با سواد و در طرف دیگر ترکیه روستایی، توسعه پیدا نکرده از نظر صنعتی و عقب مانده.

شبکه شهری، تا آن جا بیانگر تضاد دوم است که گفتیم پنج شهر بزرگی که دو سطح بالای طبقه بندی را تشکیل می دهند، همگی به نیمه غربی تعلق دارند و موجد بار جمعیتی و اقتصادی آن هستند.

اما، بموازات این امر، سطوح دیگر محله های مرکزی به شکل مناسبتری در تمام سرزمین ترکیه تقسیم شده و نقش غیر قابل انکاری در انتشار نوآوری های مثبت و گاه نیز منفی در سطح ملی مثل اقتباس از الگوهای مصرفی غربی که بخوبی جا نیافتاده اند بر عهده دارند. امروزه، نه تنها از هر دو نفر ترک، یکی در شهر زندگی می کند، بلکه نفر دوم یا

روستایی و یا به طوری که ترکها می‌گویند، «دهاتی<sup>۱۵۸</sup>» می‌تواند معمولاً در عرض یک روز خود را به شهر برساند. و تحرک جمعیت به صورتی درآمده است که در فراسوی این مرکز ناحیه‌ای نسبتاً نزدیک، آنکارا یا غالب اوقات استانبول و گاه کلن و مونیخ نیز بخشی از دنیای ارتباطی روستایی ما شده است. این حضور مادی و معنوی شهر، یقیناً ریشه تغییرات بعدی است.

### کتابشناسی

- AKÇURA, Tuğrul. 1960, "Ankara et ses fonctions urbaines", *La vie urbaine*, Nouvelle série n° 1, pp. 35-64 et n° 2, pp. 89-128.
- AKÇURA, Tuğrul. 1974, "Urbanization in Turkey and Some Examples", in P. BENEDICT, E. TÜMERTEKİN & F. MANSUR (ed.) *Turkey, Geographic and Social Perspectives*, Leiden, E.J. Brill, pp. 275-326.
- BAZIN, Marcel. 1969, "Erzurum: un centre régional en Turquie", *Revue Géographique de l'Est*, IX/3-4, pp. 269-314.
- BAZIN, Marcel. 1986, "Les disparités régionales en Turquie", in Allan GÖKALP (ed.) *La Turquie en transition. Disparités - Identités - pouvoirs*, Paris, Mouton-Routledge, pp. 17-47.
- BENEDICT, Peter. 1974 a "The Changing Role of Provincial Towns: A Case Study from South-western Turkey", in P. BENEDICT, E. TÜMERTEKİN & F. MANSUR (ed.) *Turkey, Geographic and Social Perspectives*, Leiden, E.J. Brill, pp. 241-280.
- BENEDICT, Peter. 1974b *Urban - and Anatolian Towns*, Leiden, E.J. Brill (Social, Economic and Political Studies of the Middle East, 12).
- CUNET, Vital. 1891-94 *La Turquie d'Asie. Géographie administrative, statistique, descriptive et raisonnée de chaque province de l'Asie Mineure*. Paris, Ernest Leroux, 4 vol.
- DACHDA, P. 1963 "Das capital nella steppe: Ankara e Teheran", *Riv. Geogr. Italiana* 70, pp. 271-306.
- DAVISON, R.H. 1963 *Reforms in the Ottoman Empire 1856-1876*. Princeton.
- Devlet İstatistik Enstitüsü (D.İ.E. = Institut d'Etat de Statistiques). 1984 Genel Nüfus Sayımı 12.10.1980 Census of Population. Sosyal ve Ekonomik Nitelikler/Social and Economic Characteristics, Ankara (Publ. n° 1072).
- Devlet İstatistik Enstitüsü. 1985a Genel Nüfus Sayımı/Census of Population 12.10.1980. Daimi ikametgahına göre iç göçler/Domestic migration by permanent residence, Ankara (Publ. n° 1124).
- Devlet İstatistik Enstitüsü. 1985b Genel Nüfus Sayımı 20.10.1985 Census of Population. Temel ve ileri düzeydeki sonuçlar/Primary and secondary results, Ankara (Publ. n° 1151).
- HÖFFELD, Volker. 1977 *Anatolische Kleinstädte. Anlage, Verlagerung und Wachstumsrichtung seit dem 19. Jahrhundert*, Erlangen (Erlanger Geographische Arbeiten, Sonderband 6).
- HÖFFELD, Volker. 1984 "Göceköyü. Dörler am Rande türkischer Städte 7", *Geogr. Rundschau* 36/9, pp. 444-450.
- HÖFFELD, Volker. 1985 *Städte und Städtewachstum im Vorderen Orient. Vergleichende Fallstudien zur regionalen Differenzierung (kleiner städtischer Entwicklungsprozesse im orientalistisch-islamischen Kulturkreis)*, Wiesbaden, L. Reichert (Beihfte zum Tübingen Atlas des Vorderen Orients, Reihe B, Nr 61), partie IID, pp. 96-146 (exemples turcs).
- HÖTTEROTH, Wolf-Dieter. 1975 "Prinzipien und Entwicklung der Territorialisierung im Osmanischen Reich seit dem 19. Jahrhundert", communication au Colloque L'Acculturation turque dans le Proche-Orient et le Méditerranée, Paris, C.N.R.S., Octobre 1975.
- HÖTTEROTH, Wolf-Dieter. 1982 *Türkei*, Darmstadt, Wissenschaftliche Buchgesellschaft (Wissenschaftliche Länderkunden, 21).
- KELEŞ, Rusen. 1961 *Şehir ve Bölge Planlaması Balıkesir Şehirleşme Karakterleri (Les mouvements d'urbanisation du point de vue de l'urbanisme et de l'aménagement du territoire)*, Ankara, A.D. Siyasal Bilgiler Fak.
- MAGNARELLA, P.J. 1974 *Tradition and Change in a Turkish Town (Samsak)*, New York, London Sidney, Toronto.
- MANSUR, Fatma. 1972 *Badrum - A town in the Aegean*, Leiden, E.J. Brill (Social, Econ. and Politi. Studies of the Middle East, 3).
- DEFFINGER, Beate. 1976 "Die Wochenmärkte und ihre Relation im westlichen Mittelmeerraum", *Erdkunde*, 30/1, pp. 19-24.

- ÖZDEŞ, G. 1955 *Türk Çarşamları* (Les bazars turcs), İstanbul, İstanbul Teknik Üniversitesi, Mimarlık Fakültesi.
- PLANCHOL, Xavier de. 1957 *Le monde islamique, essai de géographie religieuse*, Paris, P.U.F.
- PLANCHOL, Xavier de. 1969 "Principes d'une géographie urbaine de l'Asie Mineure", *Revue Géogr. de l'Est*, 10/3-4, pp. 249-268.
- PFEFFER, W. 1957 *Die Pflanzensocietät von Milya - Ein Beitrag zur Siedlungs- und Wirtschaftsgeographie von Inneranatolien*, Giessen (Giessener Geogr. Schriften, 1).
- RITTER, G. 1972 "Moderne Entwicklungstendenzen türkischer Städte am Beispiel der Stadt Kayseri", *Geogr. Rundschau*, 24/3, pp. 93-101.
- RÖTHER, Lothar. 1971 *Die Städte des Çukurovas: Adana - Mersin - Tarsus*, Tübingen (Tübinger Geogr. Studien, 42).
- ROTHER, Lothar. 1977 "Tradition und Wandel in Antakya (Antiochia). Eine türkische Mittelstadt zwischen 1930 und heute", in G. SCHWEIZER (ed.) *Beiträge zur Geographie orientalischer Städte und Märkte*, Wiesbaden (Beihfte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients, Reihe B, Nr.24), pp. 13-105.
- STEWIG, Reinhard. 1964 *Byzanz - Konstantinopel - Istanbul - Ein Beitrag zum Weltstadtproblem*, Kiel (Schr. d. Geogr. Inst. Univ. Kiel, 22/1).
- STEWIG, Reinhard. 1970 *Bursa, Nordwestanatolien - Strukturwandel einer orientalischen Stadt unter dem Einfluss der Industrialisierung*, Kiel (Schr. d. Geogr. Inst. Univ. Kiel, 32).
- STEWIG, Reinhard. 1974 "The Patterns of Centrality in the Province of Bursa (Turkey)", *Geoforum*, 18, pp. 47-53.
- STEWIG et al. 1980 *Bursa, Nordwestanatolien. Auswirkungen der Industrialisierung auf die Bevölkerungs- und Sozialstruktur einer Industriestadt im Orient*, Kiel (Kielser Geogr. Schriften, 51).
- STRUCK, Ernst. 1984 *Landflucht in der Türkei. Die Auswirkungen im Harikunflugsgebiet - dargestellt an einem Beispiel aus dem Übergangsbereich von Innerzu Ostanatolien (Provinz Sivas)*, Passau (Passauer Schriften zur Geographie, 1).
- TÜMERTEKİN, Erol. 1955 "The Iron and steel industry of Turkey", *Economic Geography*, 31, pp. 179-184.
- TÜMERTEKİN, Erol. 1973 *Türkiye'de geleneksel ve geleneksel dışlanmas/Urbanization and urban functions in Turkey*, İstanbul (Publ. of İstanbul University nr 1840, Publ. of Geogr. Inst. nr 72) (türk et anglais).
- TUNÇDÜZEN, Necdet. 1957 "Eskişehir ve Selçuk Tokatlıoğlu (Le développement de la ville d'Eskişehir)", *İst. Üniv. Coğrafya Enstitüsü Dergisi*, nr 8, pp. 35-47.
- WEULERSSE, Jacques. 1934 "Antioche. Essai de géographie urbaine", *Bull. d'Etudes orientales*, 4, pp. 27-79.
- WIRTH, Eugen. 1974-75 "Zum Problem des Bezugs (aus, çarşı)", *Der Islam*, 51/2, pp. 203-260 et 52/1, pp. 6-46.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی